

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره
تشدید تشنج و وخامت اوضاع در
منطقه خلیج فارس
در صفحه ۲

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره اعدام گروهی دیگر از زندانیان سیاسی

کشته شدن را منتظر نکرده و نمی کند.
رژیم خمینی از بشردوستانه اعتراضات فزاینده مردم
ایران و نیروها و محافل ترقیخواه جهان می گوید.
سیاست پیگردوبیادداشت وسیع انقلابیون را درخفا
پیش بردوشکنجه و اعدام مبارزین دربندراکتیمان
نماید. پس از یورش تابستان ۶۵ رژیم علیه سازمان
ما که به یادداشت بیش از ۱۰۰۰ تن از اعضا و هواداران
سازمان منجر شد، در نیمه دوم سال ۶۵ آغاز سال
۶۶ نیز چند یورش مخفیانه دیگر علیه نیروهای
سازمان ما در باختران، گیلان و مازندران صورت
گرفته است. و در هر کدام دهها نفر از اعضا و هواداران
سازمان ربوده شده و تحت شکنجه قرار گرفتند.
تاکنون چند تن از رفقای ما زیر شکنجه های وحشیانه
رژیم، به شهادت رسیدند. "سرکوب در تار و پود سیاسی"
سیاست رژیم در برابر سازمان ما است.
شرایط فشار بر زندانیان سیاسی و اعدامهای
دستجمعی آنان، بویژه پس از اعتصابات قهرمانانه
اوین، گهر داشت و قتل حصار شدت یافته است. این
بقیه در صفحه ۲

بر ابر اخباری که علیرغم اختناق سیاها از آن سوی
دیوار شکنجه گاههای خمینی رسیده است، در آستانه
توروز ۲۸۰ تن از زندانیان سیاسی ایران توسط
دژخیمان جمهوری اسلامی تیرباران شده اند. اخبار
رسیده حاکی از آن است که عده ای از اعدام شدگان
از مسئولین و اعضای سازمان ما بوده اند. که چند تن
از آنان از مدت ها پیش در آستانه اعدام بودند.
قرار داشتند.
در تابستان خیزش های مبارزاتی رژیم، چند تن
پیش مقدمی شکنجی شورای عالی قضایی اعتراف
کرد که طی دو هفته، تعدادی از اعضای سازمانهای
سیاسی ایران، در تهران و چند شهر دیگر اعدام
شده و عده ای نیز به حبس های طولی امدت محکوم
شده اند. اخیرا سازمان ما همدین نیز خبر داده است
که در اوایل اردیبهشت ماه، رژیم ۷ تن از مجاهدین
بازداشت شده را نیز به قتل رسانده است. قبلا نیز
رژیم رسماً اعدام ۱۶۵ زندانی سیاسی در سال ۶۵ را
اعلام کرده بود. این در حالی است که رژیم جیش
و جنایت هیچگاه اطلاع دقیقی از تعداد واقعی

انحلال حزب "امام" نقطه عطفی در اوج گیری بحران رژیم

ماه گذشته خمینی، حزب جمهوری اسلامی را به
درخواست روسای آن منحل کرد. حزب "امام" که بسا
ملاحید خوددوی بوجود آمده بود، به ناچار به تابت
خودا از صحنه سیاسی کشور رانده شد.
حزب جمهوری اسلامی در طول فعالیت ۸ ساله اش
علیرغم وجود جریانات مختلف در درون آن، کمپوزانه
علیه طبقه کارگر و جنبش کمونیستی و دمکراتیک کشور
تلاش کرد. این حزب موثرترین شکل سیاسی حکومتی
در استقرار ولایت فقیه بود.
این حزب شیخ ساخته که قرار بود مظهر اراده واحد
اصحاب خمینی باشد، هیچگاه یکدست نبود و تالیلات
متفاوت طبقاتی شیوخ حاکم و تناقضات آنرا را
همواره در درون خود می پروراند و نتوانست مل می داد.
مدتها بود که این حزب، فاقد اراده واحد و وحدت
یک حزب سیاسی بود و عملاً به دو حزب تقسیم شده بود.
در این باره رفسنجانی در شهریور ۶۲ گفت که: "در
داخل حزب... دونوع تفکر مشخص تراز بقیه به چشم
می خورد و این دو طرز تفکر، رقابت های با همسم
دارند... این ساله خلیجی اساسی است که ما بنویان
یک مشکل با آن مواجه هستیم" او در توضیح تاثر
وجود افکار متفاد و تفریق بر یکپارگی حزب در همانجا
گفت که: "در کشورهای دیگر معمولاً این دو حزب
می شوند". مشکل ما این است و این ساله با بدحل
شود. یک جایی که آیا واقعاً می شود یک حزب داشته
باشیم و این دو طرز تفکر دور هم دیگر بنشینند، با هم
رفیق باشند و بدون برخورد، بدون این مشکلاتی
که شما دارید می بینید، بتوانند حزب را اداره کنند.
این را من نمی دانم جایی تجربه شده باشد، در
دنیا من حزب این جور اطلاع ندارم."
آن مشکل اساسی تا زمانی که حزب جمهوری
اسلامی منحل شد، باقی ماند. به همین دلیل در ماه
گذشته نیز (۱۴ خرداد) رفسنجانی پس از انحلال
حزب یکپارچه دیگر تا کید کرد که "اختلافات درون حزب"
از نوعی است که در حقیقت عمدتاً دوجریان هستند."
مسائلی که رفسنجانی در ۲۷ شهریور ماه ۶۳، درباره
وضع حزب گفت، اعتراف آشکار به ورشکستگی سیاسی
آن بود. از مجموعه اظهارات وی چنین برداشت می شد
که: اختلافات مانع انتشار مواضع اقتصادی
و اعتقادی "حزب بود، شورای مرکزی حزب
نمی توانست کار کند. فراکسیون حزب در مجلس تا به
تصمیمات رهبری آن نبود، شورای اداری فلج شده
بود، اعضای حزب تشخصی و نظرفردی خود را مبنای
اجرای دستورات رهبری قرار می دادند و غیره.
در باره نتایج مبارزه دوجریان یکی از بندهای
بقیه در صفحه ۲

همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی

● نمایندگان حزب کمونیست فرانسه و چند سازمان سیاسی دیگر:
"ما ضمن محکوم کردن دستگیری و شکنجه قریب
هزار تن از فدائیان خلق، خواهان آزادی زندانیان
سیاسی ایران هستیم."
بقیه در صفحه ۲

● هیاتهای نمایندگان کشورهای دیگر در کنگره "جبهه در وطن":
"مانگران جان دهها هزار زندانی سیاسی در ایران از
جمله فدائیان و نوشته ایها و دیگر تیرگیهای دموکراتیک
و مبارز می باشیم."
بقیه در صفحه ۲

بدنبال فراخوان کمیته مرکزی سازمان جبهت
تداوم مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی
از آغاز سال جاری، اعضا و هواداران سازمان در
سیاری از کشورهای جهان با برگزاری اعتصاب غذا
تحمین، تظاهرات، راهپیمایی و... افکار عمومی
جهانی را به حمایت از زندانیان سیاسی ایران فرا
خواندند. در اغلب این اقدامات، ایران

آزاده و میهن دوست خارج از کشور نیز شرکت جستند.
عکس العمل جهانیان در مقابل تبعیضهای همای
رژیم، ستودنی است. جدا از آن، شخصیت
اجتماعی، روزنامه و رسانه گروهی که در
مجموع نمایندگی دهها میلیون تن از مردم جهان
را بر عهده دارند رژیم مستبد و
بقیه در صفحه ۲

اخراج ۷۵۰ هزار کارگر، ره آورد رژیم خمینی

سیل اخراج کارگران در جمهوری اسلامی، در اثر
ادامه جنگ و تشدید بحران اقتصادی، تنگنایان
دانهای بخوردگرفته در تاریخ معاصر ایران بی سابقه
است. در سیستم شوراهای اسلامی کار، حسین کمالی
نماینده مجلس و مسئول کمیسیون کار و امور اداری
و استخدامی اعلام کرد که "تعداد کارگرانی که تا
پایان سال ۶۵ اخراج شده اند به ۷۵۰ هزار نفر
می رسد". علیرضا محبوب، مشاور نخست وزیر در امور
کارگری، نیز تا کید کرد که "تعداد اخراجی های سال
۶۶ بمزای بیش از سال ۶۵ خواهد بود". باید افزود
که تا وقتی که در برهمنی با ستم می خرد، چشم اندازی
جز گسترش تصادعی اخراج ها و تشدید بحران بیکاری
متصور نیست.

همافر فدایی، رفیق ابراهیم پورنیا شهید شد

روزی نیست که در زندانهای رژیم، جنایت
تا زهای رخ ندهد و تعدادی دیگر از زبایان آوران آگای
و مبارزین خلق، شکنجه و کشتار نشوند تا مگر رژیم
سرمایه داری فقیه چند صباحی بیشتر دوام آورد.
موج دستگیری مبارزین ادا شده است. شماری از مبارزان
اعدام شده اند و شکنجه گران اهریمنانه در کار رند تا
مگر مقاومت انقلابیون اسیر را در هم شکنند. بسیاری
از زندانیان سیاسی در معرض اعدام قرار گرفته اند.
فدایی خلق همافر یکم ابراهیم پورنیا عضو
سازمان و از فعالین پرشور انقلابی و رشید در آذربایجان
پس از تحمل شکنجه های وحشیانه، غلامرضا از مقاومت
چنانچه در حفظ اسرار سازمانی و وفاداری تا به آخر
بقیه در صفحه ۴

هم اکنون بینا به اعتراف غلامحسین نادی، نماینده
مجلس و عضو کمیسیون برنا مه بودجه، شمار تسوده
بیکاران کشور از ۲/۸ میلیون نفر تجاوز کرده و
۲۹٪ جمعیت فعال کشور بیکارند.
این توده وسیع، هر روز انبوه تر و گسترده تر می شود
از یک طرف با اخراج های توده ای کارگران (منحمله
طرح اخراج ۱۵۰ هزار کارگر در رابطه با برنا مسه
تکمیل ساختار صنعتی کشور تا به اعتراف سرحدی ۲۵
بقیه در صفحه ۲

★ ★ یاد قهرمانان ۸ تیرگرمی باد ★ ★
۸ تیربا زدهمین سالگرد شهادت قهرمانان
است که قلبیان از امپراتشین به طبقه کارگر توده
زحمتکش و نغری سوزان به دشمن طبقاتی آنسازان
آکنده بود. ۸ تیربا لروزیخون غلغلی فدائیان
است که تمام هستی خویش را فدای سعادت خلق
کردند. ۸ تیربا لروزیخون دت رفقا حمید اشراف یوسف
قانع خشکیاری، محمدرفا شیرخانی، محمدحسین حقنوا ز
علی اکبروزیری، طاهر خرم، غلامرضا لایق مهریانی
فاطمه حسینی، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراطپور
و سرگرسینی برده است. بقیه در صفحه ۸

در این شماره
★ وزارت کار یا وزارت سرمایه؟ در صفحه ۸
★ ارتش اسلامی، ارتش تجاوز و سرکوب در صفحه ۲
★ جنگ زرگری با آمریکا و ادامه معاملات پشت پرده در صفحه ۹
★ پیشنهادات پیمان ورشو درباره صلح و خلع سلاح در صفحه ۹

در باره نقشه کار سازمانگرا نه
در میان کارگران
در صفحه ۵

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

انحلال حزب ... بقیه اصفحه اول
مجلس چنین گفته است: "با کشتن بهشتی مسئولان درجه یکی از قبیل آقای هاشمی و آقای خامنه ای با مسئولیت های ظخروستگین و متعددی که داشتند آنگونه اشرافی که اوایل بود، نبوده و لذا گذردن حزب جمهوری اسلامی ایران بدست افرادی در پرتو ن و سهرستان نیا افتاد که عوض مطرح کردن اهداف انقلابی می خواستند خودشان را مطرح کنند و عده ای هم وجود فرصت طلب از این رخته استفاده کرده اند و به مجلس آمدند و در ارگانهای دیگر قرار گرفتند و از آنجا کار کشی شروع شد. و با ملاحظه می کنیم افرادی آمده اند و او را در حزب جمهوری شده اند، از قبیل: منجم جنبیه، اوگفت: کسانی که در فکر احیای حزب جمهوری اسلامی هستند از این راه، با نظرم اینها آهن سرد می گویند، آب دهن و می گویند. با پیدا و وحدت وانجام در زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران و قیادت امام امت پیش برویم" (ارنا لست ۲ اردیبهشت ۶۶)

این اظهارات، اعتراف آشکار به قدرت گیری شدید جریان راستی و همدستان آن در رهبری حزب جمهوری اسلامی بود. این او را خود عده ای نیز به کفر "احیای" حزب افتاده بودند که معنای آن چیزی جز بیرون کشیدن رهبری حزب از زیر نفوذ جریان راستی نبود، نفوذ جناح راستی در رهبری حزب تا بدان پایه رسیده بود که نماینده مجلس ارتجاع فکرا حینسای حزب را با درها و ن گوییدن می دانست.

درگیری دو جناح عامل تعیین کننده فلج شدن حزب و ناشی از وجود دو جناح عمده در هیات حاکمه بود. رفسنجانی در همان زمان گفت: "در میان مسلمانان حسرتی که هر دو آنها بیرو خط امام هستند، دو طرف متفکر در مسایل اقتصادی و اجتماع عی وجود دارد. این مساله منحصر به قشر خاصی هم نیست و در میان علما هست، در طلبه ها هست، و در مدرسین هست در نمایندگان مجلس هست، در شورای نگهبان هست، در بزرگان و بیباکها هست... وی سال گذشته نیز همین مطلب را تکرار کرد (اقتصاد اسلامی شماره ۲۲، ۶۵). حالا هم نماینده دو جریان در همدارگانهای رژیم امتداد دارد. از این رو در علت یا بی انحلال حزب و در نشان دادن آنکه راه حل خمینی برای آن مساله خیلی اساسی است، شروع کرده ام و مورد دوا به بر نقاط وحدت و تفاهت دو جریان عمده حکومت لازم است. هر دو جناح در سیاست خارجی طرفدار نزدیک یکدیگرند امیرایا همسایه جهانی و ثوروی ستیزی هستند و سیاست داخلی از استبداد مذهبی، کمونیسم ستیزی، عدالت ستیزی، و جنگ طلبی حمایت می کنند. هر دو جناح مدافع نظام سرمایه داری هستند و در ضمنی با خلق متحد یکدیگرند. اما این دو جریان در درین وحدت دارای اختلافات جدی هستند که آن دو را از یکدیگر جدا می کند.

این اختلافات در کدام عرصه ها خاص می شوند: نقش دولت در اقتصاد دکتور و در سیاست گذاری اقتصاد از موارد مهم اختلاف است.

در این زمینه آذری قمی تئورسین یک جناح نظریاتی جناح مربوطه را با روشنی تمام منعکس می کند. او در تاریخ دیالکتیک ارتجاعی "تعیین شیوه و حدود فعالیت تولیدی بخش خصوصی" گفته که: "اگر شورت محدود به حدود محدودی که همسایه ریا بین باشد، هرگز انگیزه ای برای تلاش زیاد باقی نمی ماند و اگر آزادی در قیمت فروش نباشد، بلکه به تسخیر تثبیت شده، هر چه با سود معقول (باشد) انگیزه ای برای تولید ایجاد نمی شود... اگر میزان فعالیت محدود باشد، انگیزه ای برای صنایع بزرگ و کارهای عام المنفعه و سرمایه گذاری بیشتر وجود نخواهد آمد... از آنجا که در این مردم در تولید و فروش کالا علاوه بر اینکه انگیزه خلاقیت و ابتکار آنها تشویق می گردد، با رها زدوش دولت برداشته و به مردم واگذار نمی شود... شعارهای مردمی همسان شعارهای سوسیالیستی است..." (کیهان ۲۶ بهمن ۱۳۶۴)

آزادی کامل تولید و فروش، صادرات و واردات، لغو هرگونه قیمت گذاری توسط دولت، تملک همه صنایع و معادن سوذآور، تسلط کامل بر تجارت داخلی، انحلال صنایع و بیا زار داخلی، لغو هر نوع محدودیت بر فعالیت بخش خصوصی و برانباشت سرمایه و مالکیت، فشرده نظرات آذری قمی و روش خواسته های اقتصاد این جناح است. جریان دیگسسر با آرزوینش بر سر دولت در اقتصاد دکتور و ترمنی نید، در این حال که از فعالیت بخش خصوصی نیز دفاع می کند.

اختلاف بر سر نقش دولت به عرصه اقتصاد محدود نمی شود. رسالتی ها، دولتی ها، خواهند که همه مواضع آن را مطمئن ترین عناصر این جناح اشغال کرده باشند. آنها همواره تلاش کرده اند که دست نخست وزیر، وزارت خانه ها و مواضع کلیدی را بدست بگیرند. مطمئن جناح خود بسپرند، هر دو طرف می گویند که این دست ها را در اختیار خود بگیرند. تا مین منافع شخصی و دستسده بسندیدیهایی که حول منافع گروهی شکل گرفته، کوشش برای گرفتن بهار نهادهای، تشکل های اجتماعی، مذهبی و دولتی، تقسیم پست ها و مقامات، گرفتن مهیا ر

سازمانهای روحانیت و پست جا نشینی و غیره، جنگ قدرتی را بوجود آورده است که پای همه مراجع را نیز به میان کشیده است.

این دو جریان در تقسیم اسلام برای دستیابی به مقام صدری در دین و نیز اختلاف جدی دارند. جریان راستی از "اسلامی فقهی" دفاع و بر آن پای بسته "اسلام اجتهادی" مخالفان حمله می کند. راستی کاشانی پس از حمله به طرفداران فقه اجتهادی که آن را "روشنفکر" می نامد، می نویسد که آنها می خواهند "با آرایش های متعدد با یکدیگر کنند که علت این که خون نجس است، چیست؟ و یا چرا آب کرب باک کننده است؟ و سؤال اولی از این قبیل که همگی فلسفه و جرایمی احکام را تعقیب می نمودند یا بسدی بسیاری از سادها و لوجان نیز با رشتن می آمدند که در حوزه های علمیه هم فقهی با پیدا از میات فراوان و با مشاهدات میکروسکوپی خود در این موارد حکم دهند که خون نجس و آب کرب باک کننده است." او به مخالفان خود حمله می کند که می گویند: "چون اتموسیلر بیگان ن شرابین زمانه است و چون دربار رهشتر نیز با نزل شده است، پس ما حسان آن (بیگان) با یذکات بدهند." (رسالت ۲۹ فورسین ۶۶). در واقع این بحث حوزه ای که "بیگان" شراب است با بیگان "بیگانی" است. این دو طرف در باره گرفتن مالیات از سرمایه داران که امثال "راستی" با آن سخت مخالف هستند.

همه این اختلافات دو جریان را به مبارزه سیاسی برای تسخیر همه مواضع قدرت پاد می کشیده است. این مبارزه قدرت مدتهاست ادامه دارد. و هر روز نیز شدیدتر می شود.

در حال حاضر، همه شواهد نشان می دهد که سرنوت مجلس سوم و اینکه سوسیله کدام جناح قبضه شود از موضوعات جدید اختلاف دو جریان است. مبارزه انتخاباتی غیر رسمی از جمله اکنون آغاز شده است. در این رابطه یک نماینده مجلس، پس از ایشا ره به وجود دو جریان مختلف و ضرورت وحدت آنان گفته است که "معنای این وحدت این نیست که شما بروید در شهرستانها از حاکمانیفات انتخاباتی شروع کنید و بعد هم اگر کسی بخواد مخالف شما صحبت کند، بگویید یا بسن خلاف وحدت شده است." (رسالت ۲ اردیبهشت ۶۶).

این نماینده همانجا اشاره می کند که جریانی سیاسی خواهد آمد از نمایندگان فکری یا بعنصوان "همسویی" از مجلس بیرون کند. این نماینده به نوبت می آید اما اشاره کرده که خواهند ترکیبی را به مجلس سوم روانه کنند که با شورای نگهبان انطباق کامل داشته باشد. قبلا نیز نماینده دیگری به سه جریان دیگر اشاره کرده بود که می خواهد "دانشگاه اسلامی" و "را دیو و تلویزیون را به ارگان تبلیغاتی یک با تدبیری تبدیل نموده و برای اشغال اکثریت کرسی های مجلس سوم، چیره سازی کند" (کیهان ۱۳ اسفند ۶۵). همچنین نمایندگان خرم آباد باقیست به سو و پروپوزیشن آموزش و پرورش حمله کرده اند و از خانه ها را به "مستاد انتخاباتی" تبدیل نکنند. (روزنامه ها ۲۱ اردیبهشت) این شواهد همه نشان می دهند که دو طرف برای درست گرفتن کنترل مجلس آینه شده، دست بکار شده اند.

تحت تاثیر عوامل فوق مدتی است که مبارزه و افشاکری دو جریان علیه یکدیگر در سطح جامعه دوباره تشدید شده است. مثلا در جریان سرکوب مهدی هاشمی و دستگیری احمدکاشانی، هر طرف کوشید که یکدیگر از دور ابرجسته کند و دیگری را در سایه قرار دهد. جریان راست در حالی که جریان احمدکاشانیسی را که همیشه جلوه می داد، مخالف خود را متهم می کرد که به جریان خطرناک هاشمی برای لازم نمی دهند و سرکوب کامل آنرا می طلبید. بنویس دیگری، مترکز شدن دوباره اختلافات روی رابطه مجلس و شورای نگهبان است. چرا که وضع بیگانه ای شده است که کار مجلس ارتجاع در قانو گذاری و در حلال اختلاف با شورای نگهبان به بن بست رسیده است. ماه گذشته رفسنجانی که به همراه نمایندگان به مسناست با این هفته مجلس خمینی رفت و به اعتراف کرد که مجلس در وضع قوانین مهم منجمله در زمینه زمین و معانی ما جزمانده است و به همین دلیل از او خواست که در حل مشکل مجلس و شورای نگهبان مداخله کند. ولی خمینی نتوانا فرسوده که برای آن مانع است. اما در این جریان منتظری از شورای نگهبان حمایت کرد و گفت که اعتماد دینا شورا از مسایل مسل اساسی رژیم و تضعیف آن به ضرر انقلاب و اسلام است. او از شورای نگهبان بیخاطر است و کاشانی ش تنگ کرد و بنتها به شورای این ایراد گرفت که به قدر کافی در هیات حاکمه کار نمی کنند که از مصوبهات کانی در خارج نشوند. موضع گیری منتظری نشان داد، این که رفسنجانی تا یکدیگر که "اگر خمینی بطور قاطع به حل مشکلات قانون گذاری میبادرت نکند ما هرگز اطمینان به بی فتن شخص دیگری که بشود ندیده اند. در چنین وظیفه ای شود، در آینه نخواهیم داشت" تصادفی نبوده است.

آنچه در این میان اهمیت دارد، مصاحبه رفسنجانی در فدردی املاقات با خمینی است. او گفت که: "اگر قرار بر شدقوانین موهبه مجلس متعاقبا از طرف شورای نگهبان رد شود، در این صورت تصویب

قوانین از طرف مجلس علمی بی غیر خواهد بود." او در همین مصاحبه از زفات که از کمیته فدائیان شکا بست داشتند خواسته که به خمینی مراجعه کنند. رفسنجانی در این مصاحبه گفت که قانون اساسی جمهوری اسلامی با عجله تنظیم شده و شامل بخش های بی است که نیاز به تغییر دارد. پیش کشیدن تغییر در قانون اساسی از جریان فدائوی مجلس و شورای نگهبان بوسیله رفسنجانی و اعلام آن در سطح جامعه با پید مورد توجه قرار گیرد.

در مبارزه برحان در بالا، خمینی نیز نمی توانست مثل سابق نقش بازی کند. گروه خمینی هنوز نقش اصلی را در حکومت دارد و در فروروش دادن موقتیست تضادها موثر است و هنوز هر دو جریان از تهدیدها و ریزش ریزی مستقیم با او می هراسند. اما او در قری نیست هر چه می خواهد پیش ببرد. مثلا وقتی که انتصاب دوباره موسوی به نخست وزیر مطرح شد، خمینی به همه نمایندگان دستور داد که او را بریزند. علیرغم حکم صریح او، ۱۰۰ نماینده مجلس به وی رای دادند. با علیرغم دعوت های او به وحدت و تهدیدهای او علیه کاشانی که "وحدت کلمه" را رعایت نمی کنند، این او را خراب زار شهران علیه داد مالیات به دولت، مبارزه علامیه داد (کیهان ۱۳ اسفند ماه ۶۵). در زمینه موردتاقید، سخنان آذری قمی بسیار گویاست. او در خرداد ماه ۶۵ بدون آنکه از خمینی نا می ببرد، در جواب او با تکیه بر گفتار "علی" گفت که: "تومی توانی نظر خود را به من بدهی ولی من هم می توانم از تو بپذیرم اما شوم آن را بیکار بستم و اگر حین نشانستم با تو مخالفت بنمایم" (رسالت ۸ خرداد ۶۵). این جنبه از موقیبت خمینی در جریان هاشمی و در برخورد با منتظری نیز خود را نشان داد. وقتی خمینی تصمیم گرفت که از بسن هاشمی، پای منتظری را به میان بکشند و او را بعنوان کسی که تحت تاثیر افراطیانش قرار می گیرد قضاوت رای مستقل است. معرفی کند، معلوم بود که هدف او از این کار چیست. اما چندی می نگذشت که در فروردین ماه و برای اولین بار، منتظری بعنوان قائم مقام رهبری در ویترین تبلیغاتی جمهوری اسلامی عرضه شد.

خمینی علاوه بر مخالفت رسالتی ها، با مقاومت بخش دیگری از نیروهای دربار به جمهوری اسلامی نیز روبرو شده است. جریان مهدی هاشمی نمونه شاخص آن است. این جریان که به گذشته شیری "تحت نام مقدس جلاله" جز می وجود داشته بود و در گذشته شاخه های از این حزب در چندین شهر کشور مشغول فعالیت بودند (اطلاعات ۲۲ آذر ۶۵). گسترش نا رضایتی و اعتراض در صفوف حزب الهی و جدایی آنان از رهبران رژیم نشان می دهد. خمینی علیه آنان به سرکوب متوسل شده و مدتی طلبه، با ساد و بسجی و غیره را روانه زندان کرد. این روند در حزب امام نیز با زتاب می یافت و در تشرک انجمن های اسلامی که سوسیله حزب، سازمان یافتند، گسترش اعتراض در صفوف پایسین حزب، تشرک صفوف سوسیله ساد را نشان می دهد. و دانشجویان در سالیهای اخیر خود را نشان می داد. این جنبه از تحولات درونی حزب جمهوری اسلامی، که در خدمت افشاکری در میان خلق قرار می گرفت، در تکرار بی پایان درون حزب را نیز نشان می دهد. در زده متقا بلا عامل گسترش اختلاف در در اس هر م قدرت می شد.

گسترش اختلافات زمانی اوج می گیرد که پایه های رژیم در درون جامعه لرزان تر از همیشه است و رژیم همگرا تا این اندازه در میان توده ها مفید نبوده و تا بدین حد با اعتراض شریب تر نشود. در سرگیتی روبرو نبوده است. خمینی هراس دارد که بحران و تضاع جامعه، سرچشمه حوادث غیرقربا سل پیش بینی کرد. خمینی در خطابه ۲۵ اسفند خود گفت که "همه با ما مخالفند، همه می خواهند همه را از بسین ببرند" خمینی جنا بکتا ر حق داشت که موقیبت حکومت را چنین از بسین بردارد. چرا که اکثریت مردم کشور با ادامه جنگ مخالف هستند. اکنون دامنه این مخالفت به درون محافل جمهوری اسلامی نیز کشیده شده است. اکنون نیرویی در جمهوری اسلامی شکل می گیرد که خواهان ملح است و در این اواخر خمینی با رها علیه آن صحبت کرده است. علاوه بر آن اعمال سرکوب و کشتار علیه مردم و فقر روزافزون توده ها وضعی را پدید آورده که مبارزه محتکاشا ن و روز بروز علیه رژیم گسترش می یابد و اعتماد توده ها به آن دایم کاهش می یابد. نمونه روبرگردانی توده ها از رژیم فقهی، انتخابات میان دوره ای مجلس در مرداد ۶۵ است. برای دو "نماینده" رفسنجانی که نمایندگان آن در مجلس اول بیش از ۲ میلیون رای آورده بودند، با همه تقلباتی که داشت ۳۰ هزار و ۲۶۰ هزار رای جمع و جور کردند. در زمینه تفاسر اد جمهوری اسلامی در میان توده ها اعترافات حجتی کرمانی در اطلاعات ۲۴ فروردین ۶۶ بسیار گویاست. او در مقابل "چرا می نویسم" ۱۹ وقاع حکومت را در مجموع چنین ارزیابی می کند: "هدار که ما یو به قوا همک نظام، اعتماد عمومی است. این را صریح بگویم: بقیه در صفحه ۳

تشدید تشنج و وخامت اوضاع در منطقه خلیج فارس

برای قطع فوری جنگ، برای خروج قوای آمریکایی از منطقه

فلسطین است. این سیاست با سیاست و منافس امریالیسم آمریکا انطباق دارد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با نفرت و انزجار این سیاست را محکوم می کند.

قطع فوری جنگ و خروج بیدرتنگ نیروهای نظامی امریالیستی از منطقه خلیج فارس خواست مسلم مردم ایران است. ما حضور ناوگان نظامی امریالیستی در خلیج فارس و کمک نظامی به جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ را شدیداً محکوم می کنیم. رژیم خمینی باید برای تسلیم شدن به خواست عادلانه مردم یعنی قطع فوری جنگ هر چه بیشتر تحت فشار قرار گیرد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه دولت‌ها و مجامع بین المللی و نیروهای صلح دوست جهان می طلب می کند که بتا به خواست مردم ایران، رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی را برای قطع فوری جنگ و دولت آمریکا را برای خارج ساختن نیروهای تها و زگر خود از منطقه پیشر شکل ممکن تحت فشار قرار دهند. صدا را اعتراضی خود را علیه کار برده سلاح شیمیایی و علیه بمباران شهرها و کشتن مردم بی گناه ایران و عراق رسا تر سازند و با همه امکانات از مبارزه مردم ایران در راه صلح حمایت نمایند.

کنفرانس بین المللی برای حل مسأله فلسطین و پس از موفقیت اجلاس اخیر شورای ملی فلسطین نیروهای جنگ طلب امریالیستی و صهیونیستی تمام توان خود را بکار گرفته اند که از طریق ادامه جنگ ایران و عراق و ابتکارات متسلطانه اتحاد شوروی و نیروهای ترقیخواه عرب برای نامیدن صلح عادلانه در منطقه و در خلیج فارس را مختل و خنثی سازند.

سیاست جنگ افروزان امریالیسم آمریکایی و صهیونیسم در منطقه خلیج فارس با مقاصد بیشتری روبرو شده است. رژیم جمهوری اسلامی ایران در ادامه جنگ تنها بر حمایت اقلیتی کوچک متکی است. اکثریت قاطع مردم ایران با ادامه این جنگ شوم مخالفت می کند. اما جنگ هر ما هزار سردم هزاران قربانی می گیرد، اقتصاد کشور را ویران کرده، بیش از نیمی از بودجه و بخش عمده ای از نیروی کار کشور را به تباهی کشیده است. رژیم برای درهم شکستن مقاومت مردم که صلح می خواهند، همه نیروهای دموکراتیک و صلح دوست کشور را سرکوب می کند. زندان، شکنجه و جرحه های اعدام مهمترین وسایل رژیم برای مقابله با مبارزه مردم علیه جنگ و استبداد است.

رژیم جنگ طلب خمینی با لجاجت در ادامه جنگ سرنوشته خود را بر سر نوشت جنگ گره می زند، بسیاری از مردم جنگ و دستبندی به هدف های مورد نظر خود را به جلب توجه و حمایت دولت های امریالیستی بویژه امریکانیا زاده رژیم علیرغم همه هیا هواهای که به پای می کنند، همچنان راه نزدیک و همدستی با محافل امریالیستی را طی می کنند. سیاست رژیم علیه برقراری صلح بین ایران و عراق، علیه برقراری صلح در افغانستان و علیه کنفرانس بین المللی صلح خاورمیانه برای حل مسأله

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تکراری عمیق خودنست به تشدید و خامت اوضاع منطقه خلیج فارس و تشدید و خامت جنگ در این منطقه را اعلام داشته، تا کید می کند که امریالیسم آمریکا نقشه خود برای بهره برداری از آش جنگ خا نما سوزا ایران و عراق جهت تقویت مواضع خود در منطقه خلیج فارس را همچنان پیش می برد.

رژیم ارتجاعی و جنگ طلب حاکم بر کشور ما هرگونه راه حل صلح آمیز و مذاکرات سیاسی را رد می کند و بیگانه ای جنون آمیز بر ادامه جنگ اصرار می ورزد. این سیاست در خدمت هدف های سیاسی مداخله گران و توسعه طلبانه رژیم خمینی و بسود امریالیستی و در رأس همه امریالیسم آمریکاست. امریالیسم آمریکا نه تنها زمین ساز و شوق وقوع جنگ میان دو کشور همسایه ایران و عراق بوده، بلکه تا امروز سیاست آن همچنان ادامه جنگ است. افتخار مدورین پناهی اسلحه های ایران و گسیل انبوه کشتی های آمریکایی به خلیج فارس همه و همه نشان آن است که دولت ریگان خواهان ادامه جنگ است و از آن بسودت حکیم مواضع خود در منطقه و تسلیم بیشتر رژیم ایران به خواسته خود بهره برداری می کند.

امریالیسم آمریکا می کوشد دولت انگلیس، فرانسه، آلمان، ژاپن و دیگر متحدین خود را در گسیل ناوگان نظامی به خلیج فارس با خود همراه سازد. دولت ریگان می خواهد متحدین خود را به تشکیک یک سیاست تها و زگر بین المللی در خلیج فارس راضی کند.

صهیونیسم اسرائیل نیز از ادامه جنگ و تشدید تشنج در منطقه خاورمیانه کثرت بهره برداری را کرده و می کند، اکنون پس از مساعده شدن نسبی شرایط برای تشکیل

نا بودبا جنگ - زنده باد صلح
مرک برا مبریا لیسیم امریکا
پیروبا دمبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲ خرداد ۱۳۶۶

داگماهای شرع، تا مین حق تحقیق و کنترل وضعیت داد و درسی آموز زندانها توسط مراجع بین المللی و آزادی همه زندانها در سیاسی تحت شدیدترین فشار قرار گیرد.

سازمان ما از تمامی اقداماتی که توسط احزاب، شخصیت ها، محافل و مراجع بین المللی در دفاع از حقوق زندانها در سیاسی ایران و برای آزادی بی قید و شرط آنها صورت می گیرد، استقبال می کند و خواهان تشدید این کارزار بیشتر و مستمراست.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه نیروهای آزادیخواه، مترقی و انقلابی ایران می خواهد که در مبارزه علیه رژیم آزادی کش خمینی برای نجات جان زندانها در سیاسی و مبارزه برای آزادی همه آنان دست به اقدامات عملی مشترک و قاطع بزنند و از همه دشمنان خمینی نیروهای مبارز را در برابر برچوخه اعدام قرار دهد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه مردم شریف و آزاده، بویژه از خانواده های زندانها

اطلاعه...
اعتمادات به بیایمال شدن ابتدای ترین حقوق انسانی در زندانها صورت گرفت، اما با وجود جمهوری اسلامی به حق طلبی مبارزین شکنجه و اعدام بود. اکنون خطر مرگ جان مدعا زندانی سیاسی را تهدید می کند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعیانم ردیلا نه زندانها در سیاسی را شدیداً محکوم می کند و از همه نیروهای انقلابی، ترقیخواه و آزاده ایران از همه محافل مترقی و دموکراتیک جهان می خواهد که علیه این جنایات و فجایع ضد بشری با ننگ اعتراض خود را رسا تر سازند و با استفاده از همه امکانات بمنظور تشدید فشار علیه جمهوری اسلامی، از ادامه کشتار انقلابیون و مبین نرسان توسط رژیم دد مش خمینی جلوگیری کنند. جمهوری اسلامی باید بطر نقض خشن ابتدایی ترین حقوق زندانها در سیاسی محکوم گردد و برای قطع پیگردوبو زندانها در سیاسی عقیدتی رژیم و تقوی هرگونه شکنجه و اعدام، انحلال

سیاسی، که در صرف مقدم دفاع از حقوق زندانها در سیاسی و مبارزه برای آزادی آنها قرار دارند، می خواهد که صفوف خود را زیر شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" فشرده تر سازند.

هر چه مبارزه مردم و نیروهای انقلابی و ترقیخواه بکبار رجه تر و فوری در اعتراضات علیه ترور و ختنان بلندتر باشد، عمر رژیم تشنگ رخصینی کوتاه تر خواهد شد.

بیکاری و اخراج و وابستگی اقتصادی جمهوری اسلامی به امریالیسم را توضیح داده، نقش مخرب جنگ را در تشدید استعمار و غارت کارگران و زحمتکشان را بیایمال شدن بیش از پیش حقوق منفی و سیاسی آنها، برملا کرده و رژیم خمینی را بعنوان مسبب اصلی همه این فجایع افشا کنند. پیشروان آگساره کارگری با بیداری تکیه بر تادمیان کارگران شاغل و بیکار، مبارزه مشترک آنها را به اشکال مختلف، علیه اخراج و بیکاری در حول مطالباتش چون امنیت شغلی، با زکشت به کار و تادمین بیمه بیکاری تا زمان با زکشت به کار رمانا، سازمان دهند. هسته های مخفی باید همچنان بسر ایجا د صندوق همیاری برای حمایت از کارگران اخراجی و تحکیم هر چه بیشتر همبستگی میان کارگران شاغل و اخراجی و تضمین تادمین مبارزه شان تا کید کنند.

از همه مهمتر آنکه با بیداری افشاکری بی مسان علیه جنگ و مسیامصلی ادامه آن یعنی رژیم خمینی، توضیح رابطه تنگاتنگ میان جنگ و اخراج توده های کارگران مبارزه کارگران را برای متوقف کردن سیل اخراج در پیوند با مبارزه متحدانه کارگران و دیگر اقشار مردم علیه جنگ و رژیم جنگ طلبها زمان دهند.

۷۵۰ هزار کارگر...
بقیه از صفحه اول

واظرف دیگر با ورود مداوم نیروی کار جوان به بازار کار (هر سال حداقل ۳۵۰ هزار جوان را در بازار کار می شوند و با پتیرگی بوییم در صف طویل بیکاران جای می گیرند). آنچه که فاجعه با تراست، استمرار بیکاری، و عدم مکان با زکشت به کار اکثریت عظیم اخراج شدگان است.

جمهوری اسلامی کدنا مدتیا اخراج توده های کارگران را "شیاعت خدا نقلاب" جلوه می داد و اخراج تسوده کارگران را تحت عناوین عوا مفریبا نه ای جسمون "با زخرید"، "کاش سن با زنستگنی" و غیره ریا کارانه پرده پوشی می کرد، سرانجام ناگزیر از اعتراف به آن شده و همرا با پیشبرد سیاست وقیحا نه "کم کردن نان خوروا"، "لا یچه بیمه بیکاری" را نیز پیش کشیده است.

رژیم سرمایه داری آخوندها که مسبب اصلی بیس بحران است، در اجرای "سیاست نوین" جنگسی برای نظامی تر کردن منایع، ادامه جنگ و پیشبرد سیاستهای ارتجاعی اش همچنان بر اخراج، بیکاری و تشدید بی بحران دامن می زند. زیرا:

اولا - برای آنکه فشار بحران اقتصادی خود را بیش از پیش بر دوش طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان منتقل کند.

ثانیا - با توسل به حربه اخراج و به مخاطره انداختن امنیت شغلی کارگران، جنبش کارگر را تضعیف کرده و در حالت تدافعی قرار دهد.

ثالثا - در بسیج نیروی انسانی برای جبهه های جنگ، از توده وسیع بیکاران استفاده کند. مضافاً بر اینست که با تهدید به اخراج و تنظیم به اشکال مختلف بخشی از کارگران شاغل را نیز برای اعزام به جبهه ها بفریستد.

و طیفه هسته های مخفی کارگری و همه کارگران پیشرو و آگاهان است که با افشاکری بی وقفه و کار آگاهانه خویش، ماهیت سرمایه داری بحران

پیروبا دمبارزه مردم ایران در راه آزادی همه زندانها در سیاسی
پیروبا دمبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران
کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲ خرداد ۱۳۶۶

بیکاری و اخراج و وابستگی اقتصادی جمهوری اسلامی به امریالیسم را توضیح داده، نقش مخرب جنگ را در تشدید استعمار و غارت کارگران و زحمتکشان را بیایمال شدن بیش از پیش حقوق منفی و سیاسی آنها، برملا کرده و رژیم خمینی را بعنوان مسبب اصلی همه این فجایع افشا کنند. پیشروان آگساره کارگری با بیداری تکیه بر تادمیان کارگران شاغل و بیکار، مبارزه مشترک آنها را به اشکال مختلف، علیه اخراج و بیکاری در حول مطالباتش چون امنیت شغلی، با زکشت به کار و تادمین بیمه بیکاری تا زمان با زکشت به کار رمانا، سازمان دهند. هسته های مخفی باید همچنان بسر ایجا د صندوق همیاری برای حمایت از کارگران اخراجی و تحکیم هر چه بیشتر همبستگی میان کارگران شاغل و اخراجی و تضمین تادمین مبارزه شان تا کید کنند.

از همه مهمتر آنکه با بیداری افشاکری بی مسان علیه جنگ و مسیامصلی ادامه آن یعنی رژیم خمینی، توضیح رابطه تنگاتنگ میان جنگ و اخراج توده های کارگران مبارزه کارگران را برای متوقف کردن سیل اخراج در پیوند با مبارزه متحدانه کارگران و دیگر اقشار مردم علیه جنگ و رژیم جنگ طلبها زمان دهند.

بقیه از صفحه اول

واظرف دیگر با ورود مداوم نیروی کار جوان به بازار کار (هر سال حداقل ۳۵۰ هزار جوان را در بازار کار می شوند و با پتیرگی بوییم در صف طویل بیکاران جای می گیرند). آنچه که فاجعه با تراست، استمرار بیکاری، و عدم مکان با زکشت به کار اکثریت عظیم اخراج شدگان است.

جمهوری اسلامی کدنا مدتیا اخراج توده های کارگران را "شیاعت خدا نقلاب" جلوه می داد و اخراج تسوده کارگران را تحت عناوین عوا مفریبا نه ای جسمون "با زخرید"، "کاش سن با زنستگنی" و غیره ریا کارانه پرده پوشی می کرد، سرانجام ناگزیر از اعتراف به آن شده و همرا با پیشبرد سیاست وقیحا نه "کم کردن نان خوروا"، "لا یچه بیمه بیکاری" را نیز پیش کشیده است.

رژیم سرمایه داری آخوندها که مسبب اصلی بیس بحران است، در اجرای "سیاست نوین" جنگسی برای نظامی تر کردن منایع، ادامه جنگ و پیشبرد سیاستهای ارتجاعی اش همچنان بر اخراج، بیکاری و تشدید بی بحران دامن می زند. زیرا:

اولا - برای آنکه فشار بحران اقتصادی خود را بیش از پیش بر دوش طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان منتقل کند.

ثانیا - با توسل به حربه اخراج و به مخاطره انداختن امنیت شغلی کارگران، جنبش کارگر را تضعیف کرده و در حالت تدافعی قرار دهد.

ثالثا - در بسیج نیروی انسانی برای جبهه های جنگ، از توده وسیع بیکاران استفاده کند. مضافاً بر اینست که با تهدید به اخراج و تنظیم به اشکال مختلف بخشی از کارگران شاغل را نیز برای اعزام به جبهه ها بفریستد.

و طیفه هسته های مخفی کارگری و همه کارگران پیشرو و آگاهان است که با افشاکری بی وقفه و کار آگاهانه خویش، ماهیت سرمایه داری بحران

وزارت کار...
بقیه از صفحه ۸

اوبه شورای "محترم" نکیشان منافع سرمایه داران اطمینان می دهد که قانون بیمه بیکاری به نفع سرمایه داران و با مشورت و صلاحیت آنها تنظیم شده و شورای نکیشان با بیداری با بابت تکراری به خود راه دهد. بدون آنکه کوچکترین اشاره ای به این مسأله بکنند که در تهیه و تنظیم این لایحه منافس مصالح کارگران چگونه ملحوظ شده و تا چه نقشی داشته اند.

اظهارات و مواضع وزیر کار در مراسم گذشته ماهیت فدکارگری و ضد مردمی سیاست سردمداران وزارت کار رژیم را برای کارگران و مردم عریانشتر به نمایش گذاشت و بیش از پیش نشان داد که وزارت کار نه تنها مجری، بلکه منادی سیاست جنگی رژیم، توجیه گروم دفاع لجوج اقتصاد نظامی، مجری و مدافع مشروعیت اخراجها و تشدید بیکاری توده کارگران است. در یک کلام، این مواحه ها و خود افاشگریها توده کارگران را در قضاوت دیرینه شان مبنی بر اینکه "وزارت کار، وزارت سرمایه داری است" استوارتر کرده و عزمشان را برای مبارزه علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را سخت تر می سازد.

بقیه از صفحه ۲

ما اعتماد عمومی را از دست داده ایم، آری، مردم بیایمال حکومت چهل و چنایب نهاد اعتماد دهنده بدان نیستی احساس می کنند. آنها بسیار و روزی زوئی نابودی دستگا ها که همه دسته های داخلی اش را در دل می پروراند.

در چنین شرایطی خمینی بیش از پیش احساس خطر می کند، هدا ریاش های مکرر و علیه اختلافات در این رابطه است که معنا می یابد. بیداری ۲۵ اسفند او، بویژه در شرایط کنونی اهمیت دارد. و در آن روز دربار وضع جمهوری اسلامی گفت که اگر "خدای ناخواسته جرقه ای پیدا بشود، خواهد شد این را

بقیه از صفحه اول

واظرف دیگر با ورود مداوم نیروی کار جوان به بازار کار (هر سال حداقل ۳۵۰ هزار جوان را در بازار کار می شوند و با پتیرگی بوییم در صف طویل بیکاران جای می گیرند). آنچه که فاجعه با تراست، استمرار بیکاری، و عدم مکان با زکشت به کار اکثریت عظیم اخراج شدگان است.

جمهوری اسلامی کدنا مدتیا اخراج توده های کارگران را "شیاعت خدا نقلاب" جلوه می داد و اخراج تسوده کارگران را تحت عناوین عوا مفریبا نه ای جسمون "با زخرید"، "کاش سن با زنستگنی" و غیره ریا کارانه پرده پوشی می کرد، سرانجام ناگزیر از اعتراف به آن شده و همرا با پیشبرد سیاست وقیحا نه "کم کردن نان خوروا"، "لا یچه بیمه بیکاری" را نیز پیش کشیده است.

رژیم سرمایه داری آخوندها که مسبب اصلی بیس بحران است، در اجرای "سیاست نوین" جنگسی برای نظامی تر کردن منایع، ادامه جنگ و پیشبرد سیاستهای ارتجاعی اش همچنان بر اخراج، بیکاری و تشدید بی بحران دامن می زند. زیرا:

اولا - برای آنکه فشار بحران اقتصادی خود را بیش از پیش بر دوش طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان منتقل کند.

ثانیا - با توسل به حربه اخراج و به مخاطره انداختن امنیت شغلی کارگران، جنبش کارگر را تضعیف کرده و در حالت تدافعی قرار دهد.

ثالثا - در بسیج نیروی انسانی برای جبهه های جنگ، از توده وسیع بیکاران استفاده کند. مضافاً بر اینست که با تهدید به اخراج و تنظیم به اشکال مختلف بخشی از کارگران شاغل را نیز برای اعزام به جبهه ها بفریستد.

و طیفه هسته های مخفی کارگری و همه کارگران پیشرو و آگاهان است که با افشاکری بی وقفه و کار آگاهانه خویش، ماهیت سرمایه داری بحران

بزرگ کرد تا آنجایی که بگویند ایران الان هیچ دیگر در آن نیست، این جنایتکاران زهمین زاویه احساس خطر است که تهدیدگر که اگر اوضاع را خطرناک تشخیص دهد، این یا آن دسته" را قربانی نظام می کند.

انحلال حزب جمهوری اسلامی مظهر هراس شدید خمینی از تادیبها دامه کشاکش با بر سر نوشت حکومت است. بقای حزب، جمهوری اسلامی را از کشاکش و سقوط نجات نمی داد، انحلال آن نیز به معنای پایان درگیری با نخواهد بود. اما این رویست نقطه عطفی در واگیری بحران سیاسی رژیم است.

بقیه از صفحه ۲

ما اعتماد عمومی را از دست داده ایم، آری، مردم بیایمال حکومت چهل و چنایب نهاد اعتماد دهنده بدان نیستی احساس می کنند. آنها بسیار و روزی زوئی نابودی دستگا ها که همه دسته های داخلی اش را در دل می پروراند.

در چنین شرایطی خمینی بیش از پیش احساس خطر می کند، هدا ریاش های مکرر و علیه اختلافات در این رابطه است که معنا می یابد. بیداری ۲۵ اسفند او، بویژه در شرایط کنونی اهمیت دارد. و در آن روز دربار وضع جمهوری اسلامی گفت که اگر "خدای ناخواسته جرقه ای پیدا بشود، خواهد شد این را

بقیه از صفحه اول

واظرف دیگر با ورود مداوم نیروی کار جوان به بازار کار (هر سال حداقل ۳۵۰ هزار جوان را در بازار کار می شوند و با پتیرگی بوییم در صف طویل بیکاران جای می گیرند). آنچه که فاجعه با تراست، استمرار بیکاری، و عدم مکان با زکشت به کار اکثریت عظیم اخراج شدگان است.

جمهوری اسلامی کدنا مدتیا اخراج توده های کارگران را "شیاعت خدا نقلاب" جلوه می داد و اخراج تسوده کارگران را تحت عناوین عوا مفریبا نه ای جسمون "با زخرید"، "کاش سن با زنستگنی" و غیره ریا کارانه پرده پوشی می کرد، سرانجام ناگزیر از اعتراف به آن شده و همرا با پیشبرد سیاست وقیحا نه "کم کردن نان خوروا"، "لا یچه بیمه بیکاری" را نیز پیش کشیده است.

رژیم سرمایه داری آخوندها که مسبب اصلی بیس بحران است، در اجرای "سیاست نوین" جنگسی برای نظامی تر کردن منایع، ادامه جنگ و پیشبرد سیاستهای ارتجاعی اش همچنان بر اخراج، بیکاری و تشدید بی بحران دامن می زند. زیرا:

اولا - برای آنکه فشار بحران اقتصادی خود را بیش از پیش بر دوش طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان منتقل کند.

ثانیا - با توسل به حربه اخراج و به مخاطره انداختن امنیت شغلی کارگران، جنبش کارگر را تضعیف کرده و در حالت تدافعی قرار دهد.

ثالثا - در بسیج نیروی انسانی برای جبهه های جنگ، از توده وسیع بیکاران استفاده کند. مضافاً بر اینست که با تهدید به اخراج و تنظیم به اشکال مختلف بخشی از کارگران شاغل را نیز برای اعزام به جبهه ها بفریستد.

و طیفه هسته های مخفی کارگری و همه کارگران پیشرو و آگاهان است که با افشاکری بی وقفه و کار آگاهانه خویش، ماهیت سرمایه داری بحران

ارتش اسلامی، ارتش تجاوز و سرکوب

در نشریه‌ها که شماره ۴۰ ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی "طرح قانونی ارتش" را شرح دادیم اهداف ضد-دموکراتیک و ضدخلق آنرا برشمردیم و نوشتیم که ولایت فقیه می‌خواهد به کمک آن سایه شوم دیکتاتوری خود را بطور کامل بر ارتش بگستراند. اکنون روی برخی از مواد طرح تا مال بیشتر می‌کنیم:

حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران "طبق بند الف ماده ۵، از جمله هدفهای نظام جمهوری اسلامی و" ارتش مکتبی" شمرده شده است. حفظ نظام جمهوری اسلامی یعنی قتل عام سرکوب‌کارگران و زحمتکشانی که دیرباز زود در برابر رژیم قدس برافراشته و مبارزه انقلابی خود را برای سرنگونی رژیم شدت خواهند بخشید. رژیم بهتر از هر کسی می‌داند که این مبارزه روز بروز گسترش یافته و خفیه می‌گیرد. از این رو در پی آن است که بهتر و کامل تر از سلف خود، شاه‌علاء، از ارتش بهره‌گیرد. از همین رو در بند ب ماده ۷ مستقیماً وظیفه سرکوب راه‌آنها را در ارتش مجول می‌کند. منظور رژیم از گنجانیدن همکاران با ارتش مجول و سپاه پاسداران در مقابل با اشرار، باغیان تجزیه طلبان و چریک‌ها برانداختن رژیم است. در طرح مورد بحث بر کسی پوشیده نیست "تجزیه طلبان و چریک‌ها برانداختن" عبارتی است که همواره در رژیم‌های ضد انقلابی در مورد جنبش‌های حق طلبانه ملی و احزاب و سازمانهای انقلابی بکار می‌برند. رژیم ارتجاع جنینش خلق کرد را با همین حربه‌هاست که می‌گوید، لشکرکشی به کردستان، کشتار و وحشیانه کودگان و زنان بیداده که از بهار ۵۸ شروع شده و هنوز هم ادامه دارد، و استقرار حدود ۴۰۰ هزار سرباز و پاسدار در نقاط مختلف کردستان محروم و سرکوب هموطنان کرد، تحت عنوان مقابل با "تجزیه طلبان" شاهدین مدعا است.

طبق مفاد بند ج ماده ۵ "یاری به ملل مسلمان یا مستضعف... به درخواست ملل مزبور" جزو هدفهای نظامی جمهوری اسلامی است. "یاری به ملل مسلمان یا مستضعف" پوشش مناسبی برای صدور "انقلاب اسلامی" رژیم و دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر است. هاشمی رفسنجانی این مطلب را خیلی صریح توضیح داده است. وی در مصاحبه مطبوعاتی روز ۱۳ فروردین ۵۸ اظهار داشت که: "قرارگاه رمضان نیز برای کارهای داخل کشور تعیین شده است".

تنها دو ماده ۵ و ۷ برای نشان دادن خلعت اساسی ارتش مکتبی که تجاوزگری و سرکوبگری است، کافی است.

تلاش رژیم برای تسلط کامل بر سیستم ارتش و تا مین سلطه کامل ولایت فقیه بر آن، در بند ب ماده ۶ تحت عنوان "ولایتی بودن نمایان است در طرح تصریح شده: "نیروهای مسلح تحت فرمان

فرماندهی کل" قرار دارند، و ولی فقیه حتی در تصمیم گیری‌های نظامی نقش اصلی دارد: "دستور فرمانده در صورتی که مغایر با دستورات مسلم شرع، فرامین فرماندهی کل نباشد لازم الاجراست. بر سبل نیروهای مسلح در خط سیاسی مقام رهبری بی‌شود، ضوابط و وابستگی آنان در شکل‌های سیاسی مطلقاً ممنوع می‌باشد. مطلب به حد کافی گویاست. برای اجرای مقادیر ارتجاعی و ضد خلقی رژیم، ارتش باید در دست مقام رهبری مستقیم و مستقر گشته و سیستم اطاعت کورکورانه بطور کامل در آن برقرار باشد تا هر اعتراض علیه رژیم خفه شود. بر سبل ارتش هیچگونه حق شرکت و اظهار نظر در تصمیمات نظامی نداشته و باید تنها مجری دستورات ارتجاعی رژیم باشد. آنان حق ندارند برای سیاسی از یوغ جمهوری اسلامی در سازمانهای انقلابی مشتعل شوند. این سیاست در جهت منزوی کردن پرسنل و جدا نمودن آنان از توده‌های مردم طراحی شده تا در موقع لزوم ارتش را بیکار چاره در مقابل مردم قرار داده و علیه جنبش انقلابی بکار گیرند. برای جاری ساختن "اساس و ضابطه مکتب اسلام" بر همه "شئون و ابعاد" ارتش و خط سیاسی مقام رهبری در آن، "سازمان عقیدتی - سیاسی و سازمان حفاظت اطلاعات ارتش" در مواد ۱۴ و ۱۶ پیش بینی شده که در راه تحقق خواست رژیم می‌کوشند. در بند د ماده ۱۴ "نظارت بر حفظ موازین اسلامی، در تمام زمینه‌ها و اعلام موارد خلاف به مسئولین، و گزارش بر فرماندهی کل... از جمله وظایف سازمان" مستقل و "متمرکز" عقیدتی - سیاسی است که مستقیماً تحت مسئولیت و نظارت ولی فقیه انجام وظیفه می‌کند. ذکر شده است. این سازمان باید با جاسوسی و گزارش موارد خلاف، با اجرای موازین اسلامی در تمام زمینه‌ها نظارت داشته و بر اساس آنها عمل نماید. دیگر بهیترانه تر از این است نمی‌شود گفت که باید در تمام امور بر سبل دخالت کرد.

جمهوری اسلامی که مذهبی کردن تمام عرصه‌های زندگی اجتماع را مقرر کرده است، با کمالات بی‌شمار است و با تکیه بر این ماده و مواد دیگر طرح خواهد بود. ارتش را بطور کامل اسلامی کرده و تمام سازمان آنرا با معیارهای اسلام منطبق و سازگار سازد. رژیم با تکیه بر ارزیابی سازمان عقیدتی - سیاسی از شایستگی سیاسی و ایدئولوژیک پرسنل به اعمال نفوذ در پیکارهای عسکری انقلابی، انتصابات و ترفیع و ترفیع‌های بر سپرده می‌پردازد. رژیم می‌خواهد با کنترل تمام فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی در ارتش پرسنل را تابع خواست ولایت فقیه کرده و بطور کامل بر آن تسلط یابد. سازمان عقیدتی - سیاسی سلاح ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در ارتش است و می‌کوشد وسیله آن افکار پرسنل را مسموم کرده و آنان را نسبت به پرسنل انقلابی بدبین نماید. و مانع بی‌وسنتی آنان به مبارزه انقلابی گردد. در طرح جدید وظیفه تکمیل عملکرد سازمان عقیدتی - سیاسی در سرکوب نیروهای انقلابی درون

ارتش پیچیده یک سازمان متمرکز اطلاعاتی و امنیتی یعنی "سازمان حفاظت اطلاعات ارتش" گذاشته شده است. ماده ۱۶ طرح دربار این سازمان چنین می‌گوید:

۱- "ما موریت: پیشگیری، کشف، شناسایی و خنثی کردن فعالیت‌های برانداختن... موارد ایجاد ناراضی، نفوذ جریانات سیاسی... وظایف: و - کشف و شناسایی فعالیت‌های سیاسی پرسنل و نفوذ جریانات و تشکلهای سیاسی در ارتش و وزارت دفاع و سازمانهای وابسته"

اهمیت مساله برای رژیم روشن است. کسار تشکیلاتی کمونیست‌ها در میان پرسنل سازمان‌دهی مبارزه آنان، برای جمهوری اسلامی غیرقابل تحمل است. و نیز روشن است که مبارزه پرسنل هرگز متوقف نشده و در مقابل مختلف به اشکال گوناگون بروزی کند. به این دلیل مقابل به این روند مستقیماً تحت نظر مقام ولی فقیه و دستور مستقیم وی، پیش برده می‌شود. در تفسیر ماده ۱۶ گفته شده است: "رییس سازمان حفاظت اطلاعات از بین افراد مورد تأیید مقام رهبری منسوب می‌گردد... مستقیماً تحت امر مقام رهبری انجام وظیفه می‌نماید... علاوه بر آن سازمان مذکور در ارتباط مستقیم با وزارت اطلاعات بوده و حق بررسی صلاحیت امنیتی پرسنل را دارد و یکی از وظایف آن مطابق بند ب ماده ۱۶ "گزارش اطلاعات و اخبار امنیتی و احاطه به وزارت اطلاعات" می‌باشد. طرح بنحوی آماده شده که بتواند بصورت مستقیم متحرک و هدایت شده به هدف تأیید آمد.

لب مطلب را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد، بندها و تبصره‌های که در ماده ۱۶ بدینال هم در پیاف شده همگی برای نابودی تشکلهای ارتش انقلابی و تحقق اهداف جمهوری اسلامی طراحی شده‌اند. دستبندی به چنین هدفی برای رژیم به آن سبب میسر نخواهد بود. زیرا ارتش تجزیه برپا را در مقابل بهمن از سرگردانها و قدرت خلق را در دست یافتن به خواستهای خویش دیده است. اندیشه انقلابی دیوارهای "مستحکم" ارتش شاه را فرو ریخت. پرسنل دریا فتند از زمان خلقی هستند که با خاست و طومار رژیم شاهنشاهی را در هم بیچید. بعد از سرنگونی شاه مبارزه پرسنل وارد مرحله نوسانی شد. این مبارزه در اشکال مختلف ادامه دارد و گسترش می‌یابد. جمهوری اسلامی نخواهد توانست آنرا خاموش سازد. پرسنل ارتش به اتکای مردم، هدف جمهوری اسلامی را در تحقق این طرح ضد ملی و ضد مردمی نقش بر آب خواهد کرد.

"طرح قانونی ارتش" طرحی عسکری ارتجاعی است. تمام فعالیت و عملکرد "سازمان عقیدتی - سیاسی"، "سازمان حفاظت اطلاعات ارتش" و دیگر ارگانهای مطرحه در طرح مذکور برای سرکوب مبارزه پرسنل انقلابی، در اختیار گرفتن کامل ارتش برای سرکوب مردم و نیروهای انقلابی، و برای تجاوز و بیرون ریزی پیش‌بینی و طراحی شده‌اند. ارتش اسلامی که آخوندها در پی آنند، ارتشی است متجاوز و سرکوبگر.

همان فدایی... بقیه اصفحه اول

به‌دور و راهی و آرماتهای مردمی خویش زیر شکنجه شهید شد.

رفیق ابراهیم یورنیا در سال ۱۳۲۸ در خانوادای زحمتکش، در یکی از محلات فقیرنشین تبریز دیده به جهان گشود. در شانزده سالگی کودکی، در قزوین برای اوست داد. رفیق ابراهیم در کودکی به‌کارگری پرداخت و در همان حال عشق به آموختن او را راهی مدرسه‌ها نباشد. شرایط زندگی دشوار خیلی زود او را به ضرورت مبارزه علیه مستر مایه معتقد ساخت. او در جستجوی راهی برای مبارزه در سالهای ۵۰ با تعدادی از رفقای سازمان آشنا شد و با آنها می‌آنان و ملل لعدا دیات انقلابی را آغاز کرد. با شروع اولین خیزشهای توده‌ای بسه عنوان سازمانگری پر شور بیجا پیش توده‌ها به حرکت درآمد. او که ازال ۵۲ همافزینوی هوایی بود، به اعتبار آگاهی و شخصیت انقلابی‌اش که او را مورد احترام غم‌دینان خود کرده بود، توانست نقشش جدی در سازماندهی مبارزات هم‌فرمان علیه رژیم شاه ایفا کند. بعد از انقلاب و اردت تشکیلات سازمان شادوکار انقلابی در بین نظامیان را پی گرفت. وی از سازماندهان اعتماد هم‌فرمان تبریز در تابستان ۵۸ بود. با انتشار نشریه "سریا زوال انقلاب" به‌پخش نشریه پرداخت و خبرنگار فعال آن شد.

شیداد زینش را گذاشت. اما رژیم نتوانست رفیق را دستگیر کند. پس از آن محل فعالیت رفیق بدلیل امنیتی به محلات زحمتکش نشین شهر منتقل شد و از سال ۶۲ با سازماندهی گروههای مخفی در تبریز مبارزه مخفی را با شوری بی‌پایان آغاز کرد. بعد از یورش سال ۶۱ رژیم، رفیق ابراهیم می‌گفت: "ما باید با کارشما نروزی جای خالی رفقای دربند را پر کنیم". فعالیت‌های نروزی و متعهدانه خود او در همان واقعی‌اش گفته بود.

رفیق ابراهیم که خوبی به حسابت و ضرورت مبرم کسار در میان پرسنل ارتش آگاه بود، با احساس مسئولیت ویژه‌ای به کار آگاهانه و سازمان‌نگارانه در ارتش و حفظ و گسترش روابط خود با پرسنل می‌پرداخت. علاوه بر آن بخاطر روحیه انقلابی و سرشت توده‌اش وقت زیادی را نیز برای رسیدگی به مسائل و مشکلات خانوادگی پرسنل اسیر و خانواده‌های همکاران سابقش که با درجنگ کشته شده و بی‌اعدام شده بودند، اختصاص می‌داد. خانوادها سیاری ابراهیم را بخاطر دراندکسوا برود چرخه کهنه‌اش، تبریز را برای سوزن به‌آنجا زریب می‌گذاشت. ابراهیم که می‌آمد شریکی می‌می برای رنجها و ماتمها آمده بود و وقتی که می‌رفت، بدرهای امیدوارگی را پشت سرش گذاشته بود.

رفیق ابراهیم یورنیا در جریان دستگیری‌های مهرماه ۶۵ در تبریز دستگیر شد و بلافاصله تحت شکنجه‌های حیوانی قرار گرفت. دشمن بهرچنانی دست زد تا مگر به‌سرا سازمانی رفیق دست یابد و بایدارش را در هم شکنند، اما درخیمان رژیم ناکامانه، زیرا ایمان او به آرمات طبقه کارگرو فدا ریش به سازمان از سرشت طبقه‌اش و زندگی سرسرنج سیاب شده بود. در اعلامیه کمیته شهرت تبریز آمده است: رفیق ابراهیم فدایی پرشور و رویا و زحمتکش تبریز

که ما هم با همه او در زندان مقاومت می‌کردیم و هرگز زیر شکنجه لب به سخن ننگد. اخیراً قهرمانان تازه‌ی سرکنجه به شهادت رسید. "جسد خونین و شایا خورد" ابراهیم از شکنجه‌های سخت و مقامتی سخت‌تر، حکایت می‌کرد. بدین ترتیب ابراهیم، از آزمون آتش، سرفراز بدرآمد.

رفیق ابراهیم یورنیا نمونه‌ای از یک نظامی کمونیست بود. زندگی و مبارزاتش می‌تواند برای الگویی برای همه نظامیان میهن‌پرست و انقلابی باشد که برای ایجاد معاشی عاری ازستم و بهره‌کشی سرما به‌داری و ایجاد رفاه خلقی بیگانه می‌کنند. یادبر فداری و درخا طرها فرمان نظامیان میهن‌پرست و آگاه و دریا دهمه کارگران و زحمتکش میهن‌ما هواره زنده است. یادش گرامی و وراثت پرر رهرو باد.

سربازان وظیفه! ارتشیان آگاه!
بسیجی‌های مخالف جنگ!
راه‌دستی‌ها به‌ملح، تشنه تشدید مبارزه است.
جبهه‌ها را به میدان تبدیلنا فتد جنگ و ضد رژیم تبدیل کنید.
در عملیات و حملات شرکت نکنید.
اخبار مقاومت پرسنل مبارزه زحمتکش در راه صلح و آزادی را در دستگیرها پخش کنید.
با خردبکترین و مطمئن ترین دوستان خود هسته‌های کوچک تا ۳ نفری و کاملاً مخفی را تشکیل دهید و فعالیت انقلابی را در جبهه‌ها و پادگانها گسترش دهید.
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

درباره نقشه کار سازمانگرا نه در میان کارگران

تحکیم پیوند سازمان با طبقه کارگر و گسترش یکپارچه اجتماعی آن، در میان توده کارگران و زحمکشان برای تحقق آماج های آنی و آتی آنها، مستلزم کار سازمانگرا نه توده ای در میان آنها، بویژه طبقه کارگران است. کار سازمانگرا نه توده ای در میان کارگران به داشتن سیاست و برنامه عمل روشن درقبال جنبش سدیگایی نیازمند است. این سیاست باید تا طریقه های برنامه ریزی و اجرای کار در راستای برنامه وسیع سازمان بوده و متکی بر موازین کار صنفی، دموکراتیک و توده ای در میان توده کارگران باشد. ما پیش از این، محورها و مختصات اصلی سیاست کارگری سازمان را در عرصه های مختلف جنبش توده ای کارگری و نیز حلقه های اصلی بسیج سازماندهی توده کارگران را توضیح داده ایم. در اینجا باید تا یکدکته کمی بیشتر در سیاست سازمان در این عرصه، پیش از هر چیز مستلزم توجه کنید و مسئولانه رفقای رهبری گروهها است. رفقای مسئول باید در چارچوب سیاست کارگری سازمان، نقشه کار و برنامه عمل مشخصی داشته باشند. سازماندهی توده ای سیاست کارگری و استفاده از همه امکانات عینی فعالیت صنفی، افشای سیاستهای ضد کارگری و ضد مردمی رژیم و ما هیت بورژوازی و ارتجاعی آن، تبلیغ و ترویج مستعدیافته های دموکراتیک و سوسیالیستی در میان کارگران و استفاده از هر امکان برای تقویت و تحکیم پیوند میان مبارزات کارگری مبارزات دیگران را وظایف و تعهدات شماست. از اهم وظایف رفقای مسئول و فعالین پیروی کارگری است.

نقشه کار سازماندهی توده ای کارگران را در توده ای باید علاوه بر اتکا به سیاست سازمان، با توجه به امکانات گروهها، امکانها و امکانات بالفعل و بالقوه طراحی شود. نخستین نکته ای که در این نقشه باید رعایت گردد، مسأله تعیین اولویت دراختصاصی نیروست.

تعیین اولویت دراختصاصی دادن نیرو

ابتدا باید مشخص کرد که در منطقه تحت مسئولیت، کدامیک از واحدها (اعم از تولیدی و یا خدماتی) دارای اهمیت اقتصادی و سیاسی بیشتری است. تا در استفاده از نیرو، سازماندهی درست صورت گیرد. بدیهی است که کار سازمانگرا نه توده ای در واحدهای استراتژیک نظیر صنایع نفت، ذوب آهن، راه آهن، نیروگاهها، مخابرات، رادیو و تلویزیون، هواپیمایی و شرکت و ادونیتها بر آن بدلیل اهمیت اقتصادی و سیاسی آنها از بالاترین اولویتها برخوردار است. اینگونه واحدها صرف نظر از آنکه نسبت کارگران صنعتی یا کارگران خدماتی و یا بطور کلی نسبت کارگران آن با کارکنان و کارمندان زحمتکش دیگری در آنجا داشته، در حال باید مورد توجه ویژه قرار گیرند.

کارخانجاتی نیز هستند که نسبت به واحدهای دیگر موقعیت کلیدی دارند، مثلا کارخانهای در شهرن که مواد مورد مصرف بیش از ۴۰ درصد هر شهر خود را تولید می کنند و واحدی که ماده مورد نیاز چندین کارخانه لاستیک سازی را تهیه می کند. بدیهی است که این واحدها بدلیل اهمیت، باید بهر اتکا بیشتر از اینها در هر شهر خود با لاستیک سازی مورد توجه قرار گیرند. چون سازماندهی هر حرکت اعتراضی و یا اعتصاب در واحدهای کلیدی و مبارزات آنها مستعدیافته های تری برخوردار خواهد بود.

همچنین در تعیین اولویت باید به عوامل مهمی چون سابقه و سنت مبارزاتی واحدها توجه داشت. برخی واحدها هستند که بدلیل سابق مبارزاتی کارگران آن از موقعیت ویژه ای در منطقه و یا در واحدهای همجوار و هم رشته برخوردارند. کارگران واحدهای دیگری هم حرکت مبارزاتی این واحدها توجه ویژه ای نشان می دهند. سن و سابق مبارزاتی این واحدها و آنها را از اثرات ویژه ای معنوی برخوردار کرده است.

برخی از واحدهای صنعتی نیز بدلیل گستردگی کمی نیروی کارشان در آنها جایز اهمیت است. در حدود ۱۰۰ واحد صنعتی با لاتر از ۱۰۰۰ کارگر و ۱۴۰ واحد صنعتی بین ۵۰ تا ۱۰۰۰ کارگر در کشور وجود دارد. اختصاصی نیروی لازم برای کار سازمانگرا نه توده ای در واحدهای صنعتی متمرکز و بزرگ نیز در مقایسه با واحدهای متوسط و کوچک، از اولویت ویژه ای برخوردار است. نکته دیگر در اختصاصی نیروی کار سازمانگرا نه توده ای در واحدها، داشتن شناخت دقیق و واقعی توده ای و افراد مهم و تعیین مهمترین و حساسترین بخشهای آن و معطوف کردن توجه ویژه به اینگونه بخشهاست. مثلا در واحدهای سراسری حمل و نقل

بخشهای مختلفی وجود دارد، اما کارواحد در گرو کار رانندگان آن بخش مربوطه است. اعتقاد بر این است که قسمت با برکات صافی بخشهای دیگر اثر می گذارد. باید در سازماندهی نیروها، و بویژه در استفاده و یکپارچه رفقای صنفی کار و با تجربه اولویت های فوق الذکر را مورد توجه قرار داد. برای کارخانه ها و واحدهای مهم و کلیدی منطقه، برای نظارت بر کارخانه های مخفی و پسا فعالین کارگری این واحدها، با بد مسئولین صنفی و وزیده و مناسب تعیین کرد. مسئولین گروهها در مناطق مهم کارگری باید خودشان مسئولیت بشیرد و پیگیری سیاستهای کارگری سازمان را به عهده بگیرند و حداقل رفقای خبره و وزیده آشنا به کار بگذارند. رفقای مسئول باید مسایل مهم و مهم را با حساسیت ویژه پیگیری کنند. به این ترتیب می توان مشخص کرد که تا چه اندازه با پدیدار این و یا آن واحد (تولیدی یا خدماتی) این یا آن رشته نیرو را اختصاص داد.

ایجاد هسته های مخفی کارگری

ایجاد، حفظ و تحکیم هسته های مخفی کارگری و استفاده از همه امکانات عینی و قانونی در شرایط استبدادی و پلیسی حاکم بر جامعه ما، ضروری ترین و مهمترین حلقه کار سازمانگرا نه توده ای است. این وظیفه باید محور اصلی برنامه عمل گروههای سازمانی و فعالین پیروی کارگری مقرر گردد. مسئولین سازمانی باید پدید آورنده و مسئولین واحدهای منطقه خود، موقعیت کارگران را بشیرد و این واحدها، وضع مشکل های عینی موجود، مبرم ترین و مهم ترین مطالبات کارگران، موقعیتهای ارگانهای وابسته با کمیت در واحدها، روانشناسی توده کارگران، اشکال و شیوه های موثر ترکان و تبلیغی و سازمانگرا نه و بالاخره، عینا و صریحا بدوایند. در روندهای جاری مبارزات کارگری داشته باشند.

تعیین موقعیت کارگران بشیرد و واحدها از نظر سطح هماهنگی و درجه تا ثیر آنها ضروری است. باید مشخص کرد که از در حد تا صراحتا فعالیت در واحدها بصورت محفل و یا هسته مخفی کارگری. و اگر هنوز هسته مخفی کارگری در این واحدها شکل نگرفته، علتش چیست؟ وضعیت مشکل های عینی صنفی (اعم از عوامل اجتماعی، کار، تنهایی و بیگانه کاری و پسا کجیتهای صنفی جنبی و فرعی) از نظر درجه استقلال و یا وابستگی آنها، محدودیتهای فزاینده بودنیست چگونه است. کدامیک از آنها مستعدا بقای نقش و جدی تری در دفاع از مصالح صنفی کارگران است؟ درجه تا ثیر کارگران بشیرد و بویژه هسته مخفی کارگری در شکل های عینی و قانونی تا چه اندازه است؟ وضعیت ارگانهای غیر صنفی و وابسته با حکومت نظیر انجمنهای اسلامی و ارگانهای دیگر نظیر اتحادیه های کارگری، سپاه، ادارات و مدیریت چگونه است؟ توجه به روانشناسی توده کارگران نیز از اخصای اصلی وظایف مسئولین و فعالین پیروی کارگری است. نیروهای بشیرد و بدون توجه لازم به این مسایل نخواهند توانست اعتماد توده کارگران را جلب کرده و نیز تا کتیک های مناسب شمارهای به موقع و اشکال و شیوه های مبتکرانه و خلاصانه مبارزه را اتخاذ کنند.

کار سازمانگرا نه توده ای، عرصه های متنوعی از وظایف صنفی و سیاسی را پیش روی مسئولین و فعالین پیروی کارگری قرار می دهد که در این میان و در این شرایط، ایجاد و تحکیم هسته های مخفی کارگری و استفاده از همه امکانات عینی کار توده ای، در مرکز این وظایف قرار دارد. مسئولین سازمانی و فعالین پیروی کارگری باید توجه داشته باشند که چه برای ایجاد هسته های مخفی و چه برای تقویت و تحکیم آن، ضروری است در میان عنا بشیرد و فعال کارگری و بخصوص در دورن محافل کارگری فعال و موثر، کار ویژه ای صورت گیرد. کار در محافل کارگری بویژه ارتباط نزدیک فعالین کارگری، صنفی کارها یا با بقیه عوامل صنفی که دارای اعتبار معنوی و نیز اتوریته فنی در محیط کار خود هستند، باید پیگیری نه دنبال شود. علاوه بر این و ارتباط با حلقه ها و محافل موجود کارگری و کار در میان آنها، باید با سروسامان دادن و پسا ایجاد چنین محافل نیز راه همکاری های مشخصی در عرصه های عین مبارزه صنفی راهموار کرد. عمدتا از این طریق است که می توان محافل بی سازمان و عادی کارگری را به سکویی برای تشکیل هسته های صنفی متشکل کارگری و یا به تکیه گاه برای تحکیم پایه و بنیاد توده ای هسته های موجود کارگری بسدل کرد.

نکته مهم دیگری که در این رابطه باید مورد توجه رفقای مسئول قرار گیرد، آن است که بر بسترس کار سازمانگرا نه توده ای در میان کارگران، باید مسیات گیری صنفی یعنی جلب و جذب هواداران سیاست احادیه ای سازمان، شکل نظری بنیادگرفته شده و راه ارتقای هواداران صنفی به هواداران سیاسی و سازمانی هموارتر گردد. مسئولین می توانند به اشکال مختلفی و با رعایت مسایل امنیتی کنترل

کنند که هر رفتی که در محیط های کارگری فعالیت می کند، حداقل در یک دوره ۶ ماهه با چند کارگر رفت و آمد داشته و طی مدت ۳ تا ۴ این تماس ها و مناسبات منجر به مسیات گیری شده است یا نه. باید برنامه راجتا با باشد که کارگران فعال تنها موافق و مدافع شمار صنفی سازمان گردند، بلکه حتی المقدور به فعالیت سیاسی و تشکیلاتی با هدایت سازمان نیز جلب شوند.

استفاده از همه امکانات عینی

ایجاد و تحکیم هسته های مخفی کارگری با پیدایش شرکت در شکل های صنفی عینی و استفاده از امکانات عینی و تریبون های قانونی تکمیل گردد و گرنه تلفیق کار مخفی و عینی مسیرونخواهد شد. در شرایط کنونی مهمترین شکل صنفی عینی و قانونی موجود شوراهای اسلامی کار است که عمدتا شکل باسی نرمانی و وابسته با دولت اند. شکل های صنفی عینی دیگری نظیر تعاونی های مصرفی و اعتبار کارگران و نیز کمیته های جنبی و فرعی صنفی نیز وجود دارند که بعضا تا حدی مستقل اند، اما تا حدی حقوق و وظایف آنها در مقایسه با شوراهای محدود است. وظیفه فعالین و پیشروان کارگری ما عبارت است از تکیه و اتکا بر هسته های مخفی کارگری و تقویت مستمر موقعیت آنها بهمنابا لائرتنا و بیوا فقی شکل صنفی و نیز شرکت در همه شکل های صنفی موجود اعم از شوراهای تعاونی و غیره (در صنایع سنگین و صنایع کببعضا مستقل مانده اند)، افشای سیاستها و فواید اجتماعی و ضد دموکراتیک حاکم بر این شکلها، افشای و طردنمایندگان تحمیلی آنها، تقویت و تثبیت موقعیت نمایندگان واقعی کارگران در این شکلها و یا ایجاد یک فرا کمیون بشیرد و بی نفوذ در دورن آنها در صورت امکان است. در شرایطی که هیچگونه شکل صنفی مستقلی در آنجا فعالیت قانونی ندارد و در واحدهای کلیدی حتی اجازت تشکیل همین شوراهای اسلامی کار نیز منوط به اجازه هیات دولت است، باید از هر امکان عینی و محدود برای مسیات با توده کارگران و افشای این شرایط استفاده کرد.

رفقای رهبری گروههای سازمانی باید فعالین و کارگران بشیرد و مرتبط با گروه خود را به شرکت در همه فعالیتهای توده ای و فعالیت های صنفی روزمره تشویق کنند. اعتماد توده کارگران را نمی توان تنها از طریق فعالیت هسته مخفی و نیز ارتباطات محفل تا مین کرد. توده وسیع کارگران در جریان طرح این مسأله صنفی و اجتماعی و طی مبارزه ای که برای تا مین حقوق خود می کنند، محال آنرا می یابند که بشیرد و و نمایندگان و واقعی خود را بشناسند و به آنها اعتماد نکنند. تنها در چارچوب مبارزات که شایستگی فعالین کارگری ما بهمنابا بشیرد و واقعی توده کارگران محسوس می خورد.

فعالین کارگری ما باید در مبارزات صنفی و سیاسی کارگران، بهمنابا شرکت کنند، بلکه پیشگام آنها باشند. مسئولین سازمانی در سازماندهی فعالین کارگری باید برنامه خود را با توجه به میزان شناخت عوامل مبارزاتی و شرایط و استعداد اینها در کار توده ای طراحی کنند. بدیهی است که تنها عده معدود و معینی از فعالین کارگری مسأله در هسته های مخفی سازماندهی خواهند شد. برخی از رفقای کارگران که کمتر شناخته شده اند، باید به رعایت فواید امنیتی کار، در عرصه های عینی و حرکتی قانونی صنفی فعالتر گردند. رعایت فواید امنیتی بهمنابا رعایت مسیات سازمانی این رفقان باید مورد اول رزم پنهان باشد، ضمن آنکه فعالیت صنفی و اجتماعی آنها عینی و آشکار است. همچنین، فعالیت این رفقان بهمنابا پیشگامان و سازمانگرا نه مبارزات صنفی و توده ای کارگران نیز حتی المقدور باید از دید عوامل رزم پنهان باشد. اما نه از دید توده کارگران. چون توده کارگران باید به پیشروان و نمایندگان واقعی خود اعتماد کنند و برای آنکه اعتماد دکنند باید آنها را بشناسند. روشن است که در شرایط پلیسی و سر با زخانی حاکم بر جامعه و محیط کار، فعالین و نمایندگان مودا اعتماد دکنندگان و آنها بی و در صفت مقدم جنبش توده ای کارگری مبارزه می کنند، بیشتر از دیگران مودا انتقام جویی سرمایه داران و رژیم قرار دارند. تنها بیشتر از دیگران را معرض آزار، با زداشت و مجازات های سنگین هستند. همین مسأله موجب می شود که در برخی موارد، کارگران در مسیات دیده شدن و یا پیشگام شدن برای طرح و پیگیری مطالبات صنفی نیز تردید نشان دهند. این همان چیزی است که دشمنان طبقه کارگری خواهند. مسئولین سازمانی و رفقایی که کارگری بدعبارت هم محدودیت ها و فشارهای سیاسی که متوجه فعالیت ما است به این نکته توجه آید. فعالین با راز موز در پیشا پیش توده کارگران قرار بگیریم، تا بتوانیم در شرایط اعتلای جنبش





مستقل وتوده‌ای چیزی است که لنین آنرا "سفاقت
غیرقابل بخشش" نامیده است .
تفکر سکتاریستی ، آسان طلبانه وغیرمستولانه
از سختی کار توده‌ای در برابر اختناق شاه خالصی
می کند و از کار بیگانه و پرتکلیف می گریزد .
لنین در چپ روی "بیما ری کودکی کمونیسم" تاکید
می کند :

"با بدبهرگونه فداکاری تن داد مواضع بسیار
بزرگی را از سر راه برداشت ، تا بتوان به شیوه‌ای
منظم و پیگیر ، سرخت ، کوشا و شکیبا ، درست در آن
مواضع ، جوامع و جمعیت ها ، ولویی نهایت ارتجاعی
که توده پرولتریای نیمه پرولتر را در بر داشت ،
به تبلیغ و ترویج پرداخت " . او به تجربه از روشمند
کار ریلشویک در میان کارگران و در شکل های صنفی
پلیس ساخته ، چنین اشاره می کند :

"در دوره نژا ریسم تا سال ۱۹۰۵ ، برای مساب
هیچگونه امکان علنی وجود نداشت ، ولی وقتی
زوبتا تف ما مورلیس ، جاسا که کارگری جمعیت های
کارگری را با ندهای "ه" را برای بدانداختن
انقلابیون و مبارزه علیه آنها پیدا داشت ما اعضای
حزب خود را به این جلسات و جمعیت های فرستادیم .
اعضای حزب ما در مجامع با توده رتباط برقرار
می کردند ، ما هراته را برای تبلیغات می یافتند
و کارگران را از زیر نفوذ پیروان زوبتا تف بیرون
می کشیدند .
اکثریت و کار در شکل های پلیس ساخته ای که
بهر دیداری "باند های سیاه" و با هدف بدانداختن
انقلابیون تشکیل می شده ، مجاز است . چرا باید ترکت و
کار توده‌ای در شوراهای اسلای کار با همان هدفی
که لنین بر سرده غیر مجاز باشد ؟ جز آن طلبی و
سأ توانی در کار دشوار توده‌ای ، نمی توان هیچ
توجهی برای استخوانه احکام پیدا کرد .
حاصل عمل تفکر سکتاریستی در کار توده‌ای
میان طبقه کارگریست ؟ لنین بیامد این انحراف
را - وقتی که از امتناع کمونیست های "چپ"
آلمان از ترکت در شکل های ارتجاعی سخن می گوید -
این چنین خلاصه می کند :

"این سفاقت ، چنان تا بخشودنی است که بسا
حدا علای خدمتگزارای کمونیستها به بورژوازی همباید
است ."

روی دیگر این سکه قلمبه انحلال طلبی است . در
شرایط پلیسی و اختناق ، اکتفا کردن به فعالیت در
شکل های توده‌ای علنی و قانونی ، کم بیامد آن
به ضرورت ایجاد کارکسیون مخفی در درون شکل های
علنی موجود و عدم سازمان ندهی هسته های مخفی کارگری
بعنوان آلترناتیو تبلیغی راه را برای انحراف از
شی و برنام عمل مستقل آنها دهنده و دنباله روی
راست روانه از منشی حاکم بر شکل های قانونی
می گساید و به انحلال طلبی منجر می شود . این کارکنان
جنبه دیگری از مطلق نگری در تبلیغ میان کارمخفی
و علنی در شرایط پلیسی است . در این شرایط بدون
تکیه بر کارمخفی و سازمان ندهی هسته های مخفی
اتحادیه ای ، نمی توان موفق به ایجاد شکل های
توده‌ای مستقل و نیرومندند . ایجاد یک چنین
شکل های نیرومندی می تواند از طریق مختلفی عملی
تودوای این شکل ها می تواند از درون همین هسته های
مخفی ، با از طریق شیخه شکل های زردست و متوسط
نمایندگان واقعی کارگران (بویژه در شرایط
ضعیف کنترل پلیسی و کمترین امکانات علنی)
ساخته شوند . اما در هر حال ایجاد چنین شکل های
و تحکیم و تثبیت این دستا وردها پیش از هر چیز
منوط به کار سازمان نگرا نه مخفی و وجود هسته های
کارگری بماند به عنوان و اهرم اصلی کار سازمان نگرا نه
توده‌ای است .

هسته مخفی کارگری ، همچنانکه بارها گفتیم
سازمان صنفی مستقل با اتحادیه دوره اختناق
است و درست بدلیل همین شرایط اختناق است که از
نظرا اختاری محدود بوده و فاقد ارتباط گسترده
و آشکار توده‌ای است . اما بر نظر از این تفهیمه ،
آنچه که این اتحادیه مخفی ویژه را از شکل های
علنی توده‌ای موجود متمایز می کند ، سیاست و برنامه
عمل مستقل آن است . سیاستی که بنا بر اهدا فاتی
و آتی جنبش توده‌ای و دموکراتیک طبقه کارگراست .
و این درست آن چیزی است که شکل های علنی
موجود غیرممنون و فزونی فاقد آنند . در نظر گرفتن
این مساله و دلخوش کردن به فعالیت در چارچوب
شکل های موجود و به دسترسه و تالی آنها ،
سازمان نگری توده‌ای کارگران را از دورنمای
انقلابی ای غایب کرده و در بهترین حالت کار را به
سندیکالیسم می گساید .
انگیزه و هدف از ترکت و کار در شکل های زرد ،
برقراری ارتباط با توده‌ای ، آگاه کردن آنها ،
آشنای قوانین و سیاستهای حاکم بر آن ، خارج کردن
توده‌ای کارگران از زیر نفوذ گردانندگان این
شکل های ارتجاعی و جلب و جذب کارگران است ، نه
تحکیم و تقویت این شکل ها ، چنانچه این اصل
را هم در استفاده از امکانات علنی موجود ، رعایت
نکرد ، نه تنها ایجاد آلترناتیو واقعی (یعنی

شورهای ایستگاه نیرومند در میان طبقه کارگری خود را -
شوم . کارگران با بدبویزه در روزهای سخت ما را در
کنا رو بسا پیش خود ببینند تا به ما بسا به پیروان
و نمایندگان واقعی خود اعتماد نمایند . در این
راه چه بسا فعالین ما در دفاع از حقوق صنفی و
طبقاتی کارگران لطافت بسیار را نیز متمم
سند . نمی توان نسبت به منافع جمع حاسیست
فوق العاده نداشتند در همین حال پیشروم بسود .
در جریان اولین موج باز خرید در ایران نا سونال
برخی از کارگران آگاهانه نتوانستند به افتخار کسری
فعال علیه سیاست فدکا گری باز خرید نزنده و مقاومت
توده کارگران را علیه باز خرید زمان ندادند ،
بلکه منافعی نه خود را نیز در صف باز خرید جای گرفتند ،
این کارگران اگر خود را کمونیست می دانستند ،
سوانسته اند بی شرو و بمانند چون بیانگوسا ست درست
و منافع صنفی جمع ننوده‌اند ، بلکه بیانگوسا ست
و هراس و سراسیمگی کارگران منفردها آگاه بوده‌اند
و بس .

رفقای کارگرا در فعالیت های علنی روز سه
خود ، سایدنتها به حمایت از دیگر نمایندگان مترقی
اکتفا کنند و با تنهایی از طریق آنها برنامه عمل و
وظایف مبارزاتی خود را پیش ببرند ، بلکه در درجه
اول باید سعی کنند که خودشان ، بماند به بیگانه ترین
نمایندگان کارگران ، مستقیما طرح شوند . رفقای
ما باید از هر مکان جمع برای تبلیغ و ترویج
اندهای دموکراتیک و سوسیالیستی در توده کارگران
سودجویند . رفقای مسئول باید طبقا برخی از رفقای
کارگرا که در ای نفوذ کلام و منطبق توده فهم هستند را
بطور موثر تر برای تبلیغ ، افشاکری و صحبت با جمع
کارگران درنا ها زوری ، سروس ، رخت کن و غیره
و حتی سخنرانی در مجامع علنی صنفی - با رعایت
قوانین امتیاتی لازم - سازمان دهند .

سکتاریسم و انحلال طلبی ، دموکراتیک و انحرافی

در چگونگی تبلیغ میان کارمخفی و علنی برای
سازمان نگری جنبش توده‌ای و رهبری مبارزه کارگران
دموکراتیک و انحرافی بروزی می کند : سکتاریسم و انحلال
طلبی . سکتاریسم بماند به انحراف "چپ" و انحلال
طلبی بماند به انحراف راست ، دوروی یک سکتا است .
ساکید بر ایجاد هسته های مخفی کارگری در شرایط
پلیسی ، بعنوان شرط مقدم و طبقه اصلی کار سازمان
گرا نه توده‌ای ، تاکیدی است بسیار ضروری . مساب
بی توجهی و عدم استفاده از امکانات علنی و
قانونی موجود و عدم ترکت در شکل های علنی ای
- که در برگزیده کارگران است - و لوا این شکلها
بسیار ارتجاعی و ضد دموکراتیک نیز باشد ، معنایی
جز سکتاریسم ندارد . بسیاری از نیروهای سیاسی
مبین ما ممکن است در قبول اصل تبلیغ کارمخفی
و علنی در شرایط پلیسی تردید نناتند ، امسا
آنچه که مهم است چگونگی کار برد این اصل در شرایط
صنفی ، بروز ایران است . مثلا "راه کارگر" ضرورت
شرکت و کار در شوراهای اسلامی کار را درک نمی کند
غیرمستولانه شما را انحلال آنرا می دهد . او فرقی
میان انجمن اسلامی که با سوسیالیسم عنوان شکل
صنفی کارگران نبوده و نیست ، با شورای اسلامی کار
که علیرغم ارتجاعی و ضد دموکراتیک بودنش ، بسک
شکل صنفی علنی است نمی توان بدبینند . از زیبایی
این سازمان از شوراهای موجود نچنان دهنده است
که حتی خلقت صنفی آنها نیز نمی بینند و با این
توجه که "این شورا سیاست رژیم را دروا حدهای
تولید تفهیم می کنند" از فعالیت در آنها
سرباز می زنند . ترکت در این شکل ها برای انشای
قانون ارتجاعی و ضد رگری شورا های اسلامی کار ،
انسانی و سطح ضد دموکراتیک تشکیل آن ، افشاکری
طرد سکتاریسم تحمیلی ، خارج ساختن کارگران
از دایره نفوذ مسئولین ، و جلب و جذب توده
کارگران به سیاست و برنامه عمل ما یک چیز است ، عدم
شرکت در آنها یک چیز دیگر .

بدبینی است که هدف رژیم از تشکیل شورا های
اسلامی موجود ، تفهیم سیاست خود دروا حدهای
تولیدی و خدماتی است . واقعیت آن است که در بخش
اعظم واحدهای که انتخابات شوراها در آنها
برگزار شده ، نتیجه کار ایجاد یک شکل صنفی
ارتجاعی و وابسته به دولت بوده است ، نه یک شکل
صنفی مستقل . اینها نیز بماند به توده‌ای که در میان
شکل های صنفی قانونی موجود ، شکل مرکب
و اصلی ، شورا است نه تنها و نیچا و کمیته های صنفی
جنبی که صرفا برای ساختن بماند به آن مساله
صنفی تشکیل شده‌اند . البته این شکل های فرعی
بویژه تالی و نیچا عمدتاً دانه و بستگی نناتند به
ارگانهای حاکم بهرمانند سکتاریسم شوراها است ، مساب
جمعیت شورا بماند به شکل صنفی اصلی بسیاری
کارگران است ، توجه بماند به رادرفقای بسا شکل های
علنی موجود بیشتر می طلبند . لذا مردود است
شرکت و کار در این شکل ها و عدم استفاده از این
امکان علنی در شرایط توده هرگونه شکل صنفی

تشکل صنفی مستقل ، توده‌ای و فراگیر) را در مقابل
تشکل های ارتجاعی موجود تسریع نخواهد کرد ، بلکه
برعکس ، شرایط تشکیل آنرا دشوار تر و زمان ایجاد
آنرا طولانی تر خواهد کرد . و این نیز جلوه آشکار
دیگری از خدمتگزارای کمونیستها به بورژوازی
است .

کار توده‌ای با بیان پذیر نیست

در کار سازمان نگرا نه توده‌ای میان کارگران ،
عرصه‌ها و مسابله مهم دیگری نیز وجود دارد که برای
طرح درست و بسا سخگویی درخور به آن ، باید توجه
نیروی سازمان صنفی لازم را اختصاص داد .
هر چند رشته‌ها و لایه های مختلف کارگری در مجموع
خوبدینا نگریک کل واحد یک نیروی اجتماعی به نام
طبقه کارگرند ، اما کار توده‌ای در میان لایه های
مختلف طبقه کارگر ، با توجه به تفاوتها در روش
سطح آگاهی و وابستگی های فکری ، رشته‌ای ، ملی ،
سنی و جنسی بین آنها وجود دارد ، از ویژگیهای
متفاوتی برخوردار است . فی المثل ، کار در میان
کارگران صنعتی با کار در میان کارگران کشاورزی
از ویژگیهای متفاوتی برخوردار است . این
ویژگیها در شناختن شرایط و وضعیت مادی و حقوقی
آنها ، بلکه در روانشناسی اجتماعی آنها نیز تاثیرات
مبین بجای می گذارد و تبلیغ ، ترویج و کار توده‌ای
بسیار گرا نه و سازمان نگرا نه را به درجات مختلفی
مشرط می کند ، ما به این بحث در شماره های آینده
خواهیم پرداخت .

عرصه مهم دیگر تشخیص مکانیسم های مشخص
ارتباط توده‌ای موثر میان طبقه کارگر و دیگر اقشار
و طبقات زحمتکش جامعه است . تحکیم پیوند توده‌ای
و سازمان یافته میان طبقه کارگر و دهقانان ، زنان
جوانان ، روشنفکران خلقی ، زحمتکاران شهری و
خلفای تحت ستم کشور ، قطع نظر از اینکه یک طبقه
سازمانی عام است بطور مشخص از عرصه‌های اصلی
کار سازمان نگرا نه توده‌ای در میان طبقه کارگران ،
مثلا توجه به رابطه عینی و گسترده میان کارگران
کشاورزی و باسختانی و فکلی با نیمه کارگران
روستا و دهقانان بویژه بی چیروسا زمان ندهی تحکیم
این رابطه ، یکی از حلقه های مهم کار بسیج گرا نه
توده‌ای در میان کارگران بمنظور تحکیم پیوند
میان کارگران و دهقانان کشور است . به این ترتیب
این با آن بخش از طبقه کارگر در ارتباط طبیعی
مستقیم و موثر تر با دهقانان مجال انتقال تجربه و
آموزش به آنان را می بسد و چنانچه سیاست و برنامه
عمل روشنی ها دی این نیروها با شنودنی سازمانی
لازم به این عرصه کار اختصاص یابد ، چه بسا
کارگران بشرو و کشا وزی و باسختانی نقش موثری
در تدارک و سازمان ندهی هسته های اولیه اتحادیه های
دهقانان را نیز ایفا کنند . این حلقه های ارتباطی
مشخص در مسابله میان طبقه کارگر با دیگر اقشار و
طبقات زحمتکش و گروههای اجتماعی جامعه بطور
عینی نیز وجود دارد و کمباید مکنانیم تقویت و گام
این همبوندی های عینی را بطور مشخص شناخت و
آنرا گسترش داد .

مهمترین عنصر سیاسی در کار سازمان نگرا نه
توده‌ای در میان کارگران ، با بدبینی آگاهانه این
دستور العمل لنینی است که آموزش و سازمان نگری
توده کارگران باید نچنان باشد که طبقه کارگر
علاوه بر درک منافع طبقاتی خود ، به مسابله
اجتماعی میان شما می اقترا و طبقات جامعه با هم
و موضوع مرکزی این مسابله یعنی قدرت سیاسی
عمیقا پی برد و خود را برای کسب آن مهیا سازد .

به برنامه های رادیو زحمتکشان ایران گوش فرا دهید
رادیو زحمتکشان ایران ، صدای از دهمه کارگران
و زحمتکشان کشور و صدای برحق شام محرومان میهن
است .
رادیو زحمتکشان ایران هر روز از ساعت
۷ بعد ظهر به مدت یک ساعت روی امواج کوتاه
۲۸ متر ، ۴۹ متر و ۶۰ متر برنا مه بخش می کند .
این برنا مه در ساعت ۸ عصر همان روز و پنج روز بعد
تکرار می شود .
ساعت و طول موج رادیو زحمتکشان ایران ، صدای
رسانای صلح و آزادی را بخاطر بسپارید . وقت و طول
موج آن را به هم بگویید و در همه جا بنویسید .
برای مکاتبه با رادیو زحمتکشان ایران به
آدرس "شهره کار" در ارکان کمیته مرکزی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت) نام بنویسید .

هنر و ادبیات مردمی

من فکرمی کنم
هرگز نبوده قلب من
ایستاده گرم و سرخ
احساس می کنم
در بدترین دقایق این شام مرکزی
چندین هزار چشمه خورشید
در دلم
می جوشد از یقین
احساس می کنم
در هر کتا رو گوشه این شوره زاریاس
چندین هزار جنگل شاداب
ناگهان
می روید از زمین
آه ای یقین گمشده ، ای ماهی گریز
در برکه های آینه لغزیده توبه تو
من بگیرم فیم ، اینک به سر عشق
از برکه های آینه راهی به من بجو!

از "آیدا ، درخت ، خنجر و خاطره" :

زیبا ترین ترانه ها را بخوان
شکنجه پنجان سکوت را آشکاره کن
و هراس مدارا ز آنکه بگوبند
ترانه ای بی پیوده می خوانید
چرا که ترانه ها ترانه بی پیودگی نیست
چرا که عشق حرفی بی پیوده نیست
حتی بگذا آفتاب نیز بر نیاید
بخاطر فردای ما اگر
بر ما ش منتی است ،
چرا که عشق
خود فرداست
خود همیشه است .
ای یار همیشه مومن
بیروزی تومیوه حقیقت تست ...
بیروزی عشق نصیب توباد!

همبستگی جهانی ...

بقیه از صفحه اول
جنایتکاران رژیم را محکوم نموده و همبستگی عمیق
خود را با نیروهای ترقیخواه ایران و بویژه همبستگی
زندانیان سیاسی و فدائیان در بند اعلام کردند .
در داخل کشور نیز مبارزه برای نجات جان
زندانیان سیاسی همچنان ادامه یافت . نیروهای
سازمان علیرغم یورشهای بیعانه پاسداران جنم
و جنایت ، به افشای تیغکاری های رژیم ادامه
دادند . خواصده های زندانیان سیاسی اوپسن و
گوردهشت در دفاع از فرزندان زندانی خود به تحمیل
در مقابل زندان گوردهشت دست زدند . زندانیان
سیاسی در شرایطی که شکنجه و اعدام آنان را تهدید
می کند ، همچنان به مقاومت قهرمانانه خویش در
مقابل دژخیمان رژیم ادامه دادند .
با سیاسی از همه کسانی که همبستگی خود را با
زندانیان سیاسی ایران و بویژه زندانیان فدائی
ایران اذعان کردند ، با ارج گذاری بر تلاش هموطنان
آزاده و میهن دوستی که به فراخوان سازمان پاسخ
گفته و در مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی
مشارکت جسته اند ، ضمن تقدیر از فعالیت اعضا
هوادران سازمان در سایر سرچها از آنان دعوت می کنیم
تا با اعتصاب غذا ، راهبیمایی ، تحمیل ، مراجعه به
مراکز معشربین المللی و دیگر اشکال مقتضی
کارزار همبستگی با زندانیان سیاسی ایران را
قاطعانه و بیگیرانه ادامه دهند .

تنها راه جلوگیری از کشتار زندانیان ، تداوم
و گسترش با هم بیشتر مبارزه مشترک و یکپارچه
همه نیروهای انقلابی ، مترقی و آزادخواه در
داخل و خارج کشور است .

آنچه در زیر می آید گزیده ای است از جلوه های
گوناگون همبستگی جهانی برای نجات جان زندانیان
سیاسی ایران در ماه های اخیر :

● قطعنامه هیات های نمایندگی ۱۸ کشور برای
پایان جنگ و اختناق در ایران :

شرکت کنندگان از ۱۸ کشور در کنفرانس "جبهه
ملی پدروطن" ، فراگیرترین سازمان سیاسی
- اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان ، بیانیه ای
را اضا کردند که در آن آمده است :

" ما نگران جان دهها هزار زندانی سیاسی در
ایران از جمله فدائیان و شهدهای او دیگر
نیوهای دموکراتیک و مبارز می باشیم . معتقدیم جان
آنان مورد تهدید جدی مرگ قرار دارد .
انکار عمومی و همبستگی جهانی را به حمایت
از این زندانیان و تلاش در جهت باز دید هیات های
دبلاخ بین المللی از سیاست های قرون وسطایی
جمهوری اسلامی ایران فرامی خوانیم .
نمایندگان سازمانهای زیرا از جمله امفان کنندگان
این بیانیه بوده اند :

انجمن ملج و همبستگی اتحاد شوروی - جبهه
متحد با آزادی و دفاع از سرزمین مسادری
کامبوجیا - سازمان کبیده های دفاع خلقی
جمهوری دموکراتیک خلقی یمن - جبهه ملی چکسلواکی -
سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا - شورای
ملج و همبستگی سودا - کمیته ملج و همبستگی
فلسطین - فدراسیون سراسری کارگران قبرس -
جبهه میهنی کوبا - جبهه لائوس برای ساختن
ملی - اتحادیه کارگری جبهه ملی ساندنیستی
نیکاراگوئه - جبهه میهنی ویتنام - فدراسیون

جهانی اتحادیه کارگری ...

● بیانیه سندیکای عمومی کار علیه سرکوب
و اختناق در ایران :

ث . ژ . ت . بزرگترین شکل کارگری فرانسه
بیانیه ای علیه جنایت رژیم منتشر کرد . در بخشی
از بیانیه آمده است :

" سندیکای عمومی کارفرانسه (ث . ژ . ت) که
تاکنون با رها نقض آشکار حقوق بشردار ایران
را محکوم کرده است ، اعتراض خود را در مقابل
این سرکوب بربرمنشانه اعلامی دارد . سندیکای
عمومی کار ، خواهان پایان دادن به اعدام
و شکنجه و همچنین آزادی تمامی زندانیان
سیاسی در ایران است ."

● اعلام همبستگی سندیکای عمومی کار (ژ . ت . ن)
با فدائیان خلق :

سندیکای عمومی ایتالیایی (کار . ل . ا . ا . ا)
بزرگترین شکل کارگری جهان سرمایه داری ، همبستگی
خود را با سازمان ما اعلام کرده و علاوه بر آن اعضا
کارهای برجسته L . I . T - بزرگترین اتحادیه
کارگری ایتالیا ، همبستگی عمیق خود را با زندانیان
سیاسی ایران اعلام نمود و رژیم تبهکار رژیم
را محکوم کردند .

● احزاب و سازمانهای مترقی یونان ، هلند ، ایتالیا ،
فرانسه جمهوری اسلامی را محکوم کردند .

۷ حزب و سازمان معتبر یونانی از جمله حزب
کمونیست یونان ، حزب سوسیالیست متحد یونان
کنفدراسیون کارگران یونان و حزب کشاورزان یونان
۲۶ حزب ، سازمان و شخصیت در ایتالیا از جمله
حزب کمونیست ایتالیا ، حزب سوسیالیست خلقی
اتحادیه کارگران ایتالیا و تجارت دانمارک و اتحادیه
حروف چین های دانمارک ، ۱۶ حزب و سازمان
در هلند و از جمله احزاب کمونیست هلند ، آدیگالیای
مشرقی ، سوسیالیستهای ملج طلب جنبش زنان
هلند و اتحادیه نویسندگان هلندی ، احزاب و
شخصیت های معتبر و متعدد در فرانسه ، آلمان فدرال ،
بریتانیا و سوئد به اشکال گوناگون ، از جمله امضا ،
طومار ، انتشار بیانیه و ارسال تلگرام همبستگی
خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام نموده و رژیم
خمینی را محکوم کردند .

نمایندگان حزب کمونیست فرانسه و چند حزب و
سازمان سیاسی و فرهنگی فرانسه اعلام نمودند که :

" ضمن محکوم نمودن دستگیری و شکنجه قریب
هزار تن از اعضا هوادران سازمان فدائیان
خلق ایران (اکثریت) ، ما امضا کنندگان ، نمایان
نگرانی خود را در مقابل خطر مرگ جان آیین
میهن پرستان و مقاومت و شجاع و مبارزین مکرر
و عدالت اجتماعی را تهدید می کند ، بزرگترین
مسأله ها ن توقف فوری و تاجا و زبه بدیهی ترین
حقوق انسانی و دموکراتیک در ایران هستیم .

ما خواهان اعزام یک هیات تحقیقاتی به
سرپرستی سازمانهای بین المللی دفاع از حقوق
بشر و ارگانهای ملاحظه سازمان ملل متحد به
ایران هستیم . این هیات وظیفه تحقیق نسبت به
تخلی وزیر پادشاه شستن مفاد ممویات موافقت -
نامه های بین المللی را بعهده خواهد داشت که



دولت ایران نیز از امضا کنندگان این موافقت -
نامه ها بوده است .
ما خواهان آزادی زندانیان سیاسی در ایران
هستیم "

● جنبش زنان هلند در بیانیه خود یاد آور شد
" شیدا بیژادی تهرانی ، ما درومبا رزنا بیت قدم
آزادی و بهروزی مردم ایران ... در زیر شکنجه
های وحشیانه جان سپرد ، و یکی از آخرین
نمونه های جنایت رژیم جمهوری اسلامی
است ."

● انجمن زن ملج فرانسه اعلام نمود :

" ما سرکوب و جنایتان نیروهای مترقی در ایران
بویژه تهاجم اخیر بر رفقای فدایی خلق ایران
(اکثریت) را محکوم می کنیم و با شیدا بیژادی
قهرمانی که در زیر شکنجه های وحشیانه جلادان
خمینی به شهادت رسید را گرامی می داریم ."

● همبستگی ۱۲۰ حزب و سازمان ، سندیکای کارگری
و شخصیت های مترقی ایتالیا با زندانیان سیاسی
ایران :

موج همبستگی در ایتالیا بسیار نیرومند و فراگیر
بوده است . ۱۲۰ حزب ، سازمان و شخصیت ایتالیایی
از جمله حزب کمونیست ، حزب دمکراسی پرولتاریا ،
فراکسیون سنا شوراهای کمونیست در سنا ایتالیا ،
تشکل های مختلف کشوری و شهری متعلق به زنان ،
جوانان ، کارگران ، نویسندگان ، ... به اشکال
گوناگون با زندانیان سیاسی ایران اعلام همبستگی
کرده و ضمن محکوم نمودن رژیم حاکم بر ایران ، خواستار
آزادی زندانیان سیاسی شدند .

● در اسپانیا نیز در پی اعتصاب غذا و چهار روزه -
اعضا و هوادران سازمان که در آن رفقای شهدهای او
عدای او را برانید ، آزاده مقیم اسپانیا نیز شرکت
داشتند ، موج گسترده همبستگی با زندانیان
سیاسی بر سره افتاد که در جریان آن عموم احزاب
سازمانها ، شعرا و نویسندگان ، حقوقدانان و ...
رژیم خمینی را محکوم کردند .

● بسیاری از رسانه های عمومی جهان ضمن منعکس
کردن اخبار مبارزات اعضا و هوادران سازمان
در خارج از کشور ، رژیم خمینی را محکوم نمودند .
از جمله این رسانه ها " آومانیته " و " لیبراسیون " و
" لویوند " چاپ فرانسه ، " مورنینگ استار " و " سان
دیز " چاپ بریتانیا ، " پائزمر " مانیتست " و
" ماسا جرو " چاپ ایتالیا و خبرگزاری فرانس پرس
بودند .

ایضا همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی
ایران از محدوده اروپا و آمریکا بسیار رفتار گرفت .
نیروهای ترقیخواه در کشورهای عربی ، هندوستان ،
ژاپن و آمریکای لاتین هر کدام به گونه ای در جنبش
جهانی برای محکوم نمودن رژیم تبهکار خمینی
مشارکت جستند . بیگمان این همبستگی پرشور جهانی
به انقلابیون و مردم ما بیش از پیش نیروی بخشند
تا برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی و پاک کردن
لکه تنگی که بر دامن میهن ما نشسته است ، متحد و
یکپارچه به پیکار خود ادامه دهند .

یاد مهر ملان ...

باقیه از صفحه اول

بازده سال پیش در سرگام هاشم تیرماه سال ۵۵ در پی ضربات گسترده رژیم به سازمان ما، محل تشکیل اجلاس فوق العاده رهبری سازمان در مهاباد جنوبی در محاصره جلادان شاهنشاهی درآمد. حمید اشرف و یاران با لبانی سرودخوان تا آخر بستان تیرخشا و تا آخرین نان رنگ جنگندوسر راه آزمان بزرگ خوبی - کمونیسم - نهادند.

ضربات سال ۵۵ و بویژه ضربه ۸ تیرماه عسای بزرگ برای سازمان و براری کل جنبش خلق بود. بسا ضربه ۸ تیرماه می کار در رهبری سازمان به شهادت رسید. شهادت رفقا، بویژه شهادت رفیق حمید اشرف فاجعه ای بود که هر چه زمان پیشتر رفت، عمیق آن بیش از پیش برای جنبش روشنتر گشت. رفیق حمید همچون انسانی ترا لا مبارزی یا کباخته یا زانگری برجسته، رهبر و همیار و زنده ای جلاک سالها با رنگین رهبری سازمان در آن روزگار سخت را بدوش کشید. مجموعه خصایل او همواره نیروبخش فداشیمان بود. او همچون بار تیرزانی چسور همواره از تیرسور گسترده پلیس و از سخت ترین محاصره ها می رست تا کاری را که نیمه کاره مانده بود، آزر بگیرد. هم از این بود که رژیم برای دستگیری او چا بی زه ها تعیین کرد و پس از شهادت او، جلادان که نه میسک می دانستند چه گوهری را از سازمان و جنبش خلسس ربوده اند، با یکویی ها کردند.

ما این روز را روز شهادت رفقا را، روز شهیدای فدایی نام نهاده ایم. گرامی داشت ۸ تیر نه فقط گرامی داشت خاطر شهید ۸ تیر، بلکه گرامی داشت آن فداکاری ها و قهرمانی است که رفیق قهرمان حمید اشرف و یاران او سمسال آن بودند و از زمان آغاز همجون زنده فداشیمان ساختند است. ما این روز را به مثابه نمونه قهرمانی فداشیمان سبیل ایمان آنان به آزمان طبقه کارگر و توده های زحمتکش و آینه روشن بشریت همچون تجسم شکست ناپذیری و ایستاد مردن گرامی می داریم. قهرمانی و جان بازی در راه خلق، بدون ایمان به فردا و عشق به خلق ناممکن است. ما آن ایمان و آن عشقی را که سرمنشا قهرمانی های فداشیمان و همه مبارزین خلق است، ارج می نهیم و در برابر آن عزم و اراده ای که پس از ضربات ۸ تیر، سازمان را با برجانگسار دانت سرطیم فرودی آوری.

اینک با زدهمین سالگرد ۸ تیرمانی از راه می رود که فداشیمان همچنان در سخت ترین شرایط پلیسی در زیر سر نیزه و سلاح دشمن درگیرند، ما هنگامی به استقبال ۸ تیر می شناییم که رژیم خونخام تر از رژیم شاه، سر قدرت است و ادا مدهندگان را ه تیرانی ها، با خون فداشیمان و ضو می سازند. اینک دژ خیمانی در پی فداشیمانند که کینه آنان، زاده ایمان مطلق به جهل و تاریکی است. ما در چنین شرایطی برچم تیر در را برافراشته ایم، تا راهی را که شهیدای ما آغاز کرده اند، پیگیریم. ما در هشتم تیر ما آن رفقای بی را که در سال اخیر با خون خود، پیوند استوار خویش با توده محروم و نقرت سوزان خود را از جامعه مبتنی بر استثمار زود فوجا کمیست روحانی - سرمایه دار را به ثبات رسانند، گرامی می داریم.

را زورم شکست ناپذیری سازمانهای کمونیستی را عمولا به رمز شکست ناپذیری آنته پیلوا ناضانه ای تشبیه می کنند و می گویند. در یونان باستان پیلو نی بودیم آن آنته فرزند، متراله زمین، مادام که پای او بر زمین بود او از زمین - از ما در خود نیس و می گرفت هیچ سلاحی بر او کارگر نبود و تنها نقطه ضعف او آن بود که او را از زمین - از ما در زمین قدرت خویش جدا سازند. هر کول بر این رازی سردود نبردی با او زمین بلندش ساخت و در هوا خنجر را بر سینه اش نشاند. تا زمانی که سازمان کمونیستی از ما در خود او از زمین لایزال قدرت خویش پیرو می گیرد هیچ نیرویی را برای نابودی آن نیست. اگر پیوند با توده ها ریز آسب ناپذیری سازمانهاست، ایمان استوار به آزمان طبقه کارگر و توده ها و عشق آتشین به آینه و نقرتی سوزان بدشمن، رمز یاباری فرد کمونیستها در سخت ترین وجانگه تیرسین شرایط است.

ما در هشتم تیر ما آن قهرمانانی را که با قلبی آکنده از جنبش ایمانی مبارزه کردند، گرامی می داریم و بیمان می بندیم که همواره بسه سنن قهرمانی ۸ تیر، به میگان تا پای جان و فساد را ما نمیم.

تاریخ نشان داده است که ما هر چند، بارها به خاک افتاده ایم، ولی هیچگاه بزا نود ریا مده ایسم. ما می نمیم. ۸ تیر گواه آن است.

وزارت کار یا وزارت سرمایه؟

در آستانه اول ماه مه، روز کارگر، روزنامه اطلاعات، مصاحبه ای با سرحدی زاده وزیر کار و امور اجتماعی در تریب داد. موضوع اصلی مصاحبه سیاست دولت و وزارت کار و براری "حفظ اشتغال در شرایط نوین اقتصادی" بود. وزیر کار زاده در پاسخ به سئوال "طرح نوین اقتصادی" است. این سیاست اقتصادی فدردمی را عا مل اصلی "حفظ اشتغال" و "نجات دهنده تولیدنا مید.

واقعیت آن است که این سیاست که حدود ۲ سال پیش بدینا شد بدینجرا ن اقتصادی و تداوم جنگ طراحی شد، به نوبه خود امری برای تداوم و گسترش جنگ و نظامی کردن اقتصاد دکشورند. برخلاف ادعای وزیر کار و عوارض فلاکت با اجرای این طرح در شددید و خامت زندگی کارگران و زحمتکشان ک شوریش ازین ماهیت ارتجایی آنرا به نما پیش گذاشته است.

وزیر کار با گستاخی تمام در توجیه نظامی کردن بخش مهمی از تولید می گوید: "برای حفظ اشتغال حتی دورترین منابع ما که هیچکدام را ارتباطی بسا مصالح نظامی ندارند، به نوبه خود برای حفظ اشتغال دست به تولیدات نظامی در حوض خود زدند و از این طریق به میزان بسیار زیادی توانستند سطح اشتغال را حفظ کنند."

هر قدر هم که وزیر کار بگوید با تحریف و دروغ حقایق تلخ را بپوشاند، کارگران و زحمتکشان خسوب می دانند که عامل اصلی راه افتادن سبیل اخراجها و آوارگی و بی خانمانی آنها جنگ است. سرحدی زاده بدون آنکه بگوید که چرا امروز ما له اخراج و بیکاری تا این اندازه کادور اف گشته، "راه حل" پیشنهاد می کند و این راه سیاست نوین جنگی را برای مقابله با اخراج و حفظ امنیت منطقی عرضه می کند. وزیر کار می خواهد آتش را با بنزین خاموش کند.

خوب است که سرحدی زاده اینرا نداند، بدانند که سیاست حفظ اشتغال از طریق نظامی کردن اقتصاد، شمارا بدای او دولت خدمتگزار کگلان سرمایه داران و بزرگ مالکان نبوده، بلکه سیاست ارتجایی ترین محافل جنگ افروزا میریالیستی و "راه حل" انحمارات نظامی - صنعتی است و "حفظ اشتغال" و "مقابله" با بحران بیکاری است. طبق ادعای وزیر کار، گسترش تولیدات نظامی به میزان زیادی سطح اشتغال را حفظ کرده است. چند روز قبیل از مصاحبه وزیر کار، در ۷ اردیبهشت ۶۶، روزنامه دولتی کیان اعلام کرد که: "فقدان می شوردم کارگرنانی که بطور غیرارادی تاگزیر از ترک فعالیت حرفه ای و شغل خود می شوند تا پایان سال ۶۶ از مزه ۷۶ هزار تن خواه گشت." علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر و متروپا و روس و بیژنه نخست وزیر نیز در همان شماره کیان گفت که: "تعداد اخراجی های سال ۶۶ بر مراتب بیش از سال ۶۵ خواهد شد."

وزیر کار در همین مصاحبه در توضیح عوامل دیگر "حفظ اشتغال" در برتوسایست نوین اقتصادی چنین می گوید: "همچنین تلاشهایی که در زمینه صادرات غیرمنشی صورت گرفت و روز بروز در حال توسعه است و این امر نیز به توسعه تولیدات غیرارزی مربوط می شود عا ملی برای حفظ اشتغال با ایجاد اشتغال جدید در اقتصاد است." این مثل روز و بریمکان روشن است که اقتصاد وابسته ک شور و تکیه به بردار مدنفط علی سالیان دراز، رژیمهای سرمایه دار را محبور به واردات بخش های مهمی از احتیاجات مصرفی داخل کشور کرده است. رژیم سرمایه دار جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. با این اقتصاد بحران و بیسار، تولیدات داخلی هیچگاه کفا یا مصرف داخل کشور را نمی کند، چه رسد به صادرات وسیع آن بعنوان یکی از منابع مهم تامین رز. جز آنکه از همان حاکم بر کشور، محصولات مورد نیاز داخل را به قیمتها ی نازل صادر میکنند تا جزئی از ارز مورد نیاز برای ادا مه جنگ را تامین کنند. که البته یکی از علل کمیابی و گرانی سرام و اراجناس و ایجاد بازیها برای ابتدایی ترین احتیاجات توده مردم نیز همین است.

سرحدی زاده در پاسخ به این سئوال که قوانین کار و بیمه بیکاری و تامین اجتماعی در چه مرحله ای از تصویب و ابلاغ است، گفت: "قانون بیمه بیکاری را مجلس شورای اسلامی پذیرفت. شورای محترم نتوانی مواردی از آنرا اشکال داشتند. امیدواریم که واقعا توجه کنند، ما قانون بیمه بیکاری را به گونه ای تنظیم کردیم که فا لبا خودکار فداشیمان (چرا بخش دولتی وجه از بخش خصوصی) به این امر رضایت داشتند. ما نظر خواهی کردیم و از آنها نظر گرفتیم و سپس گستاخانه اداه می دهده: "همینطور نشتیم و به میل خود چیزی را بنویسیم. کار نشانان چه از بخش دولتی وجه از بخش خصوصی در تنظیم این قانون شرکت داشتند و بهیچ حال کارفرمای بخش خصوصی را می توانستند که کارگرها تجربه خود را اندکی تحت پوشش بیمه بیکاری قرار دهند تا او را اندکی کند."

"عدالت اسلامی" در عمل

هر روز که از عمر ننگین جمهوری اسلامی می گذرد، حلقه کمربند بیکاری، گرسنگی و بی خانمانی پر بردوزحمتکشان میهن ما تشکر می شود. بسیاری از زحمتکشان میهن ما، حتی نان خالی را به زحمت تهیه می کنند و این در حالی است که تقدینگی بخش خصوصی به بالی رقم ۱۰۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

فقر عمومی بحدی گسترش یافته است که سرداران رژیم را نیز مجبور به اعتراف کرده است. جندی پیش غلامحسین نادای نماینده مجلس گفت که از مجموع ۱۳/۳ میلیون نفر جمعیت فعال ایران، نزدیک ۴ میلیون نفر بیکار هستند و مجموع ۵۰ میلیون نفر جمعیت ایران، ۱۲ میلیون نفر از نظر اقتصادی بسیار محروم و ۲۲ میلیون نفر بسیار آسیب پذیر و ۱۱/۷ میلیون نفر بیچاره و از نظر اقتصادی ۱/۳ میلیون نفر از نظر اقتصادی مرفه می باشند. او سبب فاش ساختن که نرخ تورم در سال جاری ۴۶/۵ درصد است. تا بلوی فوق از یکسویان می دهد که در جمهوری اسلامی کمتر از ۲/۵ درصد جمعیت ایران از نظر اقتصادی مرفه هستند و از سوی دیگر بیگرانان است که اکثریت تریب به اتفاق جامعه در فقر عمومی بسر می برند و بیسک اقلیت ناچیز "ماحب" کل شروت عمومی جا معسه هستند. اعتراف موسوی نخست وزیر رژیم در این رابطه بی نیاز از هرگونه توضیحی است. او در اردیبهشت ماه ۶۵، در مصاحبه با اطلاعات چنین گفت: "مردم ما در طول ۷ سال (۵۶ تا ۶۶) ۴۳ درصد فقیرتر شده اند، از طرفی تقدینگی بخش خصوصی در سال ۶۴ نسبت به سال ۵۶ حداقل ۴ برابر شده و دولت ۸۰۰۰ میلیارد ریال یعنی بیشتر از بودجه سه ساله را در بیچارگی، طی این چندسال اخیر نیز وضع به مراتب بدتر شده و فقر بر زندگی حقوق بگیران و مزدبگیران جا معسه به انداخته است.

علیرغم این وضع هشدار رژیم تپیکار خمینی هیچ تلاشی نمی کند که وضع زحمتکشان اندکی بهبود یابد. قیمت کالاها همچنان تصاعدی بالایی رود. بیکاری بیش از پیش جنبه همگانی پیدا می کند و در نتیجه، طبق اعتراف سردمداران رژیم "گوشه میوه برای خانواده های کم درآمد، آرام، آرام دارد جنبه دارو پیدا می کند" (نما بنده خرم آباد رسالت ۲۱ اردیبهشت ۶۶).

وضع مسکن برای زحمتکشان در آوار است. هماینگ بیش از ده درصد در آمدما هانه اکثریت زحمتکشان صرفا جاره خانه می شود. دورتا دورا شیه شهرهای بزرگ را آلونکهای ظبی و خانه های چادری پر کرده است و همگی آنها از ابتدایی ترین امکانات رفاهی نظیر آب لوله کشی بی بهره اند.

بیکاری نیز که خود معلول نظام منخط سرمایه داری است و در شرایط مشخص میهن ما، جنگ از عوامل تشدیدان است، روز بروز گسترش می یابد و باعث هر چه بدتر شدن زندگی زحمتکشان می گردد. در این وضعیت، اخراج گروهی کارگران توسط ارتجاع جاک همچنان ادامه می یابد.

با وجود اینکه "هر روز بی پول بولداران افزوده می شوند و محرومین بیشتر در تنگنای قرار می گیرند" (نما بنده شوش - کیان ۳۰ فرودین ۶۶) رژیم در نظر دارد هر قدر که تبش می برد، کسری بودجه اش را نیز از طریق غارت زحمتکشان تا مین نماید. علاوه بر آن آنجا که بیش از ۹۰ درصد آوا درزی جمهوری اسلامی بصورت دلار جانی می شود، با کاهش قیمت دلار در بازارهای بین المللی، زحمتکشان میهن ما با بیستی با رنگین تورم حامل از توان قیمت دلار نیز بیرون کشند.

نغمه های شوم هر چه وخیم تر کردن شرایط زندگی مردم، شب و روز از حلقوم دست اندکاران رژیم، به گوش می رسد. آنجا که به اعتقاد آنها جنبه موهبتی است الهی که برای پیدا کردن "احکام اسلام عزیز" ضروری است، مقدرات که در جمهوری اسلامی بخاطر استقرا "حکومت الهی" در روی زمین زحمتکشان بی سابقه ترین محرومیت ها را تحمیل کنند. که البته این محرومیت ها شامل حال فقها و تجار "محترم" و سایر سرمایه داران و مالکسان اراضی و خلاصه خودیها نخواهد شد.

رژیم جمهوری اسلامی از زمان آغاز بنیان گذاریش در راه حفظ نظام سرمایه دار و کوشیده و زمین سه غارت هر چه بیشتر زحمتکشان توسط سرمایه داران، بویژه تجار "محترم" را فراهم ساخته است. به همین جهت تصادفی نیست که بشنوم تنها طی سال پس از انقلاب ۴۳ درصد مردم فقیرتر شده اند و در مقابل شروت سرمایه داران بیش از ۴ برابر شده است.

تا وقتی که نظام سرمایه داری با برجانست، بیکاری، گرسنگی، بی خانمانی و هزاران مشکلات طاقت فرسای دیگر نیز با برجانست. این نظام سرمایه داری است که باعث ایجاد دوگسترش فقر عمومی است، و به همین دلیل تا وقتی که این نظام برجانست و نظام سوسیالیستی جای آنرا گرفته است، بی عدالتی و فقر نیز به درجات مختلف با برجان خواهد بود.

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

پیشنهادات پیمان ورشو درباره صلح و خلع سلاح

روزهای هفتم و هشتم خرداد ماه، رهبران دولتی و حزبی کشورهای عضو پیمان ورشو، اتحاد شوروی آلمان دموکراتیک، بلژیک، فرانسه، ایتالیا، یونان، لهستان و مجارستان در برلین گرد آمدند تا در مهم ترین مسأله جهان معاصر یعنی تأمین صلح و جلوگیری مابله با گسترش سلاح اتمی و نابودی آن مشاوره کنند.

سران کشورهای عضو پیمان ورشو با تأکید بر توسعه از زمین بردن خطر جنگ و تأمین صلح و امنیت و توسعه صلح عمومی پیشنهادات خود را طی سندی ارائه نمودند و کشورهای امپریالیستی و اعضای پیمان ناتورا به پاسخ مثبت به پیشنهادات خود اقدام کردند. اجلاس شورای برلین برنا مه پیشنهادی گسترده خود برای سالم سازی اوضاع جهان را بشرح زیر فرمولبندی کرد:

– صلح کامل و هر چه زودتر از مایشات هسته‌ای بعنوان گام اول در راه محو سلاح هسته‌ای، کاهش مرحله به مرحله و سپس نابودی کامل این تسلیحات و جلوگیری از گسترش مابقی تسلیحاتی به فضای گیاهی.

– محو سلاحهای شیمیایی و دیگر انواع سلاحهای کشتار جمعی
– برچیدن موشکهای میان برد آمریکا و شوروی و نیز نابودی موشکهای عملیاتی – تاکتیکی – در اروپا.
– کاهش تعداد دینقراط نیروهای مسلح و کلاهکهای هسته‌ای در اروپا.

– کنترل اکید بر تمام اقدامات مربوط به صلح و خلع سلاح با استفاده از امکانات ملایم بین المللی کنترل
– ایجاد مناطق آزاد از سلاح اتمی و شیمیایی در اروپا و دیگر مناطق جهان.

– خودداری متقابل کشورهای عضو پیمان نه‌سالی و شوروی تا از توسل به قدرت نظامی، انحصار سلاحهای پانگه‌های نظامی در اراضی دیگر کشورها و فراقخواندن نیروهای مسلح به محدوده مرزهای ملی.

– خارج کردن سلاحهای خطرناک تهاجمی از مناطق تمام مستقیم میان دو پیمان نظامی.
– انحلال همزمان پیمان ناتو و ورشو، بعنوان گام اول در جهت از بین بردن رگبانی نظامی دو طرف و در نتیجه ایجاد سیستم جامع امنیت بین المللی. شرکت کنندگان در اجلاس مشا و ره برلین با اظهار نظر پیرامون جنگ ایران و عراق بعنوان یک کاسه نون مهم و خطرناک که صلح منطقه و جهان را به خطر انداخته است، خواهان قطع هر چه زودتر جنگ شدند و تا کید نمودند که ساله مورد اختلاف طرفین باید از طریق مذاکره و طبق موازین بین المللی حل گردد.

شهادت دکتر حمدانه، کمونیست برجسته لبنانی

بدنبال جنایت قتل رفیق کمال مروه، کمونیست کمیده مرکزی حزب کمونیست لبنان، راجل برجسته سیاسی و محقق سرشناس و عده‌ای دیگر از مسئولین حزب کمونیست لبنان، دکتر حسن حمدانه عضو دیگر کمیده مرکزی حزب کمونیست لبنان نیز در ماه گذشته در حوالی منزل خود در بیروت هدف سوء قصد چند مرد نقابدار قرار گرفت و به قتل رسید.

در ماه مارس سال گذشته نیز رفقا سهیل تاویل عضو دفتر سیاسی کمیده مرکزی و سردبیر نشریه "الطریق" و خلیل نشون عضو کمیده مرکزی حزب کمونیست لبنان ناچاراً نمراد تا توسط دستجات مرتجع اسلامی لبنان به شهادت رسیدند.

اقدام جنایتکارانه ترور اعضای کمیده مرکزی و مسئولین حزب کمونیست لبنان، نشاندهنده هراس مرتجعین از گسترش و تحکیم فزاینده موقعیت طبقه کارگر و نفوذ روزافزون اندیشه و سیاست حزب کمونیست لبنان است. کمونیسم ستیزی محافل مرتجع و تروریست لبنان، این منادیان تفکر قرون وسطایی را در صف خادمان امپریالیسم و مپو نیسم در منطقه قرار می دهد. آنجا که حضور فعال کمونیستها و رونق و اعتبار جنبش کارگری و کمونیستی را معادل زوال و نابودی تاریخ اندیشی و تحریر می بینند، چاره کار را در محای فیزیکی رهبران جنبش کمونیستی جستجو می کنند. همبستگی های آنست که در جمهوری اسلامی نیز همین شیوه و سیاست را مدت هاست تهبه کارانه دنبال می کنند. مرتجعین چه در ایران و چه در لبنان و در هر دو ای این گروه خاکی با دید دارند که با قتل و کشتار و شکنجه کمونیستها نه تنها صدای حقیقت عاشق را خاموش نخواهد گرفت، بلکه آتش کینه‌ای که در دل عاشقان کمونیسم علیه ارتجاع و سرمایه داری شعله ور است فروزانتر و چهره کریه دشمنان مردم آتش ترمی گردد.

سازمان ما با انزجار و روتنفر شدید نسبت به ایسین جنایت هولناک مراتب تأثر عمیق و همدردی خود را نسبت به حزب کمونیست و مردم لبنان اعلام می‌دارد.

اجلاس سران ۷ کشور امپریالیستی

سران ۷ کشور بزرگ سرمایه داری: آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان فدرال، ژاپن، ایتالیا و کانادا طبق معمول هر ساله در تاریخ ۱۸ خرداد در شهر ونیز ایتالیا گرد آمدند تا درباره مشکلات اقتصادی کشورهای خود و بیورگلی جهان امپریالیستی چاره اندیشی کنند. ولی عملاً مسایل خادسیا سی جهان، مسایل اقتصادی در دستورگنفرانس را تحت الشعاع خود قرار داد و سران ۷ کشور نتوانستند به اختصار هیچ عملی لازم در عرصه اقتصاد دنیا با صلح آیند. علت اصلی عدم توافق راه حل های اقتصادی را با ایجاد اختلافاتی دانست که هم اکنون بین امپریالیسم آمریکا و کشورهای اروپایی و ژاپن بر سر تثبیت نرخ ارزها، نوسانات ارزش دلار و افزایش فروش کشورهای مختلف از جمله خود آمریکا و تأثیرات مخرب کسری بودجه آمریکا بر سایر کشورهای و نیز عدم توازن مبادلات با زرگانی، موجود است.

بحران خلیج فارس و جنگ ایران و عراق از جمله موضوعات مهم گنفرانس بود. در این زمینه آمریکا تلاش کرد که یک نیروی ضربتی مشترک برای "حفاظت کشتی ها" را سازماندهی کند و متحدان خود را وارد

جنگ زرگری با آمریکا و ادامه معاملات پشت پرده

هیاهوی تبلیغاتی و جنگ زرگری میان رژیم خمینی و دولت ریگان کماکان ادامه دارد و هر سر از گاه نیز او ج می گیرد. خمینی در سخنرانی خود بیعتا سبت عید فطریا ردیگر به برخاشجویی علیه آمریکا پرداخت. سخنان او پاسخی بود به اظهارات ریگان که چند روز قبل از آن رژیم ایران را رژیم وحشی خوانده بود. البته خمینی در این پاسخ گویی ملاحظاتی روابط پشت پرده را از نظر دور نداشت و به جای آن شعارهای آتشین قبلی به این اکتفا کرد که گفته‌های ریگان را سخنان "بی حساب و سرخود" بخواند و "ملت‌های ضعیف" را به کوبیدن" منطبق "ریگان دعوت کند. اینگونه خط و نشان کید دنیا و چارو – جنگیایی تبلیغاتی از سوی مقامات دروزرگیم با شدت و ضعف همچنان ادامه دارد. هدف واقعی رژیم از این تبلیغات و هیاهوی خصمانه، از یک طرف برای انحراف افکار مردم از کتد اب نجاتی است که اکنون حکومت اسلام درون عوطه و راست از سوی دیگر، بمنظور باز زرگری بیشتر بین روسیسان سیاسی است که به قول خمینی نمی خواهند تقسط "گاشیرده" باشند و از این معامله پرسود نیهم بیشتری می طلبند.

اما در پس این هیاهو، آنچه در با سرعت بکار خویشتن مشغولند و گاه می تا زده‌ای در جهت جوش دادن میان "حکومت الله" با "حکومت شیطان" بر می دارند. آخرین گام از سوی امپریالیستهای آمریکا بی سر دادن ۴۵۱ میلیون دلار از راهی های ایران در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه بود. و چوه فوق حدود ۵ سال دریا کت "فدرال زررژ" آمریکا مانده بود. این گام آمریکا همان "علامت" و "شرطی" است که رفسنجانی خاش با رها آتراشانه "حسن نیت" نیز خوانده بود. وی ۴۰ روز قبل از این واقعه نیز مجدداً تأکید کرده بود: "من ایتران مکرراً گفته‌ام، ما یک علامت گذاشته‌ام که آمریکا می تواند حسن نیت خود را ثابت کند و آن آن آزاد کردن اموال ما است که غیراً کونی در آمریکا توقیف شده است" (مصاحبه مطبوعاتی اول اردیبهشت). علیرغم اینکه "یک مقام ایرانی پس از استرداد اموال توقیف شده با قسم و آیه خواست ثابت کند که این وجه به هیچوجه به مسایل گروگانهای آمریکا بی درلینان و یا سایر مسایل سیاسی ارتباطی ندارد" (کیهان ۲۴ اردیبهشت)، اما این "حسن نیت" آمریکا بلافاصله با اقدام متقابل از سوی جمهوری اسلامی در رابطه با آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان همراه گردید و آشکار شد که رفع توقیف از مسایل ایران برخلاف یاهوهای "مقام ایرانی" هم بی آزادی گروگانها و هم با مسایل سیاسی دیگر ارتباط دارد.

روز ۴ خرداد یعنی ۱۰ روز پس از استرداد ۴۵۱ میلیون دلار نماینده پارلمان ووزیرمشاور سابق درامورخارج آلمان فدرال به انتقال ق مشا ورسیایی صدراعظم و سفیران کشور در ایران با رفسنجانی دیدار کردند. مشا ورا سبقت ضمن ابراز حمایت دولت آلمان از رژیم جمهوری اسلامی، خواهان کمک این رژیم در مورد مساله گروگانها شد. رفسنجانی نیز بیخاطرا احترامی که برای آقای گنر (وزیر امورخارج آلمان امپریالیست) قایل است در پاسخ به این تقاضا قول همکاری داد و در عوض خواستار رشیکه دولت آلمان فعالیت ضد رژیم سازمانهای سیاسی ایرانی در آلمان را ممنوع سازد.

که به این طرح بپیوندند. طرح ریگان در صورت اجرا، خواهد توانست اولاً حضور و کنترل نظامی بیشتر آمریکا را در سرتا سرخلیج فارس تا منجمد نماید. ثانیاً با خطر گسترش دامنه جنگ در ابعاد سراسر منطقه را به همراه خواهد داشت. این طرح از جانب سایر کشورهای امپریالیستی، در کتفرانس مورد استقبال قرار نگرفت.

سران ۷ کشور شرکت کننده در کتفرانس علیرغم اینکه خود تا کنون عمده ترین تا من کتندگانه، سلاح برای ادامه جنگ ایران و عراق بوده‌اند، عوامرفرپا نه خواهان یا یان یافتن جنگ شده‌اند. کتفرانس با وجود اینکه پذیرفت امکان ناست جدیدی برای پیشرفت مناسبات کشورهای سوسیالیستی و کشورهای بزرگ سرمایه داری فراهم گردیده است، پاسخ مشخصی به پیشنهادهای اخبار اتحاد شوروی در مورد موشکهای میان برد عملیاتی – تاکتیکی نداد. در عین حال بر لزوم حفظ نیروهای هسته‌ای غرب تأکید نمود.

کتفرانس نیز یک سیزدهمین دیدار رهبران ۷ کشور بزرگ امپریالیستی بود و برای برپا یسی آن هیاهوی تبلیغاتی بسیار راه انداخته شد. در پایان خود در هیچیک از مسایل اقتصادی مهم بیسه توافق نرسید.

همان روز را دیو آمریکا خبرسازت مقامات آلمانی به لبنان را جهت آزادی گروگانها پیش کرد. این بهدویستنها با گام دیگری از سوی جمهوری اسلامی همراه شد. چند روز پس از وقایع فوق روزنامه "الشراع" یعنی همان روزنامه‌ای که برای نخستین بار خبر سترگ فارس را لنین به ایران و بنسند و بستهای پشت پرده دو رژیم را فاش ساخت، خبر داد که یک کمیده ۵ نفره در تهران برای نظارت بر آزادی گروگانها در لبنان تشکیل شده است. در این کمیده ۵ نفره، احمد خمینی، رفسنجانی، خا منده‌ای، محسن رضایی و رفیق دوست یعنی ۵ تن از سران درجه یک رژیم چنایتنکا خمینی شرکت دارند و خود خمینی نیز سخنا چنر آن نظارت می کند.

تشکیل چنین کمیده‌ای در چنین سطحی نشانده اهمیت فوق العاده‌ای است که رژیم اسلامی برای حل مساله گروگانها در لبنان قایل است. واضح است که تلاش رژیم چنایتنکا روآدمکش خمینی برای آزادی گروگانها، برخلاف تبلیغات حکومتی بخاطر "اهداف بشردوستانه" نیست. این رژیم در طول ۸ سال حاکمیت خود با رها نشان داده است که هیچ قربانی با بشردوستانه ندارد. رژیم ارتلاش بسراری حل مساله گروگانها – مساله‌ای که بی تردید خود در ایجا دانه نقش داشته – هدفهای سیاسی معینی را دنبال می کند که عمده ترین آن برداشتن موانع در پیشبرد سیاست سازشکارانه خود در نزدیکی بیشتر به امپریالیسم آمریکاست. تشکیل چنین کمیده‌ای را که نشانده "حسن نیت" رژیم اسلامی و در واقع تراغ سیزدیگری به امپریالیستها است، باید نشانده تازه درجه نزدیکی جمهوری اسلامی به آمریکا دانست. خمینی در آزادی حل و فصل مساله گروگانها چشم به سلاحهای آمریکایی دوخته است. مساله او و در شرایط فعلی داشتن سلاحهای بیشتر برای ادامه جنگ ارتجاعی است.

تعمیل آوندها برای بازسازی روابط با آمریکا از موقعیت دشوار حکومت آنها ناشی می شود. رژیم مدت هاست در گام زان برین بست جنگ و بحران همه جانبه در هم فشرده می شود اما همه جنگ به روال قبلی بسر خلاف تبلیغات رسمی حکومتی، باریکه بزرگمسی همراه است، رژیم نتوانسته هیچکدام از وعده های خود در مورد "پیروزی" "ادعایی را عملی سازد. نفرت مردم از جنگ به چنان حدی رسیده که هر واقعه کوچک می تواند به چنانده‌های بزرگ وانفجار خشم مردم بیانجامد. اما همه جنگ با فقر و گرسنگی و بیکاری و کشتار گسترده همراه است و امکان گسترش جنبش انقلابی را دو چندان کرده است. رژیم علیرغم تبلیغات تنوع آرو خود در باره "موفقیتهای حکومت قدرت اسلام"، مبارزه با برقدرتها " و... دریافت است که برای پیروزی بر صدام و برای اداره کشور به شیوه سرمایه دارانه (یعنی غارت و سرکسوب اکثریت مردم توسط اقلیتی محدود) به حمایت هر چه بیشتر امپریالیستها نیاز دارد. و از اینویا بسرر گنداب خیانت دیگری فرورفته و برای نزدیکی به امپریالیستهای آمریکا بی شتاب می ورزد.

نتیجه ناگزیر این نزدیکی آتایی امپریالیستهای آمریکا بی و تمیعت رژیم اسلامی است. این روابط برای زحمتکشان ایران جز بدبختی و ستم بیشتر، محصول دیگری به همراه نخواهد داشت. نفوذ گسترده تر امپریالیسم در میهن ما یعنی غارت بیشتر منابع و ترو تهای مردم، یعنی استعمار وحشیانه تر کارگران و زحمتکشان، یعنی عقب ماندگی بیشتر جامعه، یعنی تبدیل ایران به ابزار سیاستهای سلطه گرانه و جنایتکارانه امپریالیستها به مردم ایران چنین سلطه‌ای را نخواهند پذیرفت.

یاد رفیق حسین فلاح پور گرامی باد

رفیق حسین فلاح پور ازکا درهای تشکیلاتی فلاح پور سازمان ما، در جریان انجام یک ما موریت سازمانی در تیرماه ۶۵، در اثر تصادف اتومبیل درگذشت. رفیق حسین انسانیت زحمتکش بود. او از میان زحمتکشان برخاسته بود و عالیه ترین خصیصه اشتیاق مردم و بهر روزی توده های زحمت بود. رفیق حسین بعد از یورش رژیم به حزب توده ایران در بهمن ماه ۶۱ به سبب مبارزه مخفی روی آورد. در طول سالهای ۶۵-۶۱ بسیار فداکاری و از خودگذشتگی، فروتنی و احساس مسئولیت عمیق در کار تجدد سازمان تشکیلاتی مازندران مشارکت جست.

هنگامی که جسد رفیق بعد از دگانه شدن فلاح پور انتقال یافت، مردم شهر با برگزاری مراسم تشییع جنازه بسیار باشکوه قدرش را عمیق نشان دادند. مراسم تشییع جنازه خود به نمازگاه گذار شدند. در آن مراسم هزاران نفر از اهالی شهر که می دانستند و ازکا درهای سازمان ما است و در چرخه رمال اخیر مخفی بوده و علیه رژیم مبارزه می کرده است، برای ادای احترام مدبرانه ای جنازه اش حاضر شدند. آنها از مردم دوستی، فروتنی و شجاعت حسین یاد کردند و نشان دادند که فرزندان وفا در خلق در اعماق وجود مردمی دارند.

در سالگردشما رفیق حسین همراه با کارگران و زحمتکشان فلاح پور، یادش را زنده و گرامی می داریم.

جنايات تازه رژيم

کارگزاران رژیم خمینی هراسان از رشد رفايی توده ها و بیمناک از سرانجام تشکیلاتی بسیار خویشتن در حق رنجبران میهن ما، شاکت را بردست و با وسيله سیران محکمت فرمودی آوردند و جوهرهای تازه برای اعدام انقلابیون در بند میهن می کنند. در چند ماه گذشته، با زهم شمار دیگری از زندانیان سیاسی به جوخه اعدام سپرده شدند. رفیق ابراهیم پورنیا و چند تن دیگر از اعضا و مسئولین سازمان از جمله اعدام شدند. هر روز اخبار تازه ای از جنایات روزمره رژیم برملا می شود.

ما سه مردم شماره ۱۵۰ نیز خبر اعدام دو پاسدار توده ای رفقا محمدحسین عبدی (جاوید) و محمدحسن عبدی از اهالی روستای قزلجه کهنه مدان را اعلام کرده است. در نامه مردم آمده است که "آنها در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب، بر اساس رهنمود حزب ما به سبب پیوسته، در جریان پیوسته سراسری به حزب توده ایران دستگیر شدند و بعد از ماهها زندان، در اردیبهشت ۶۳ تیرباران شدند."

ما بنا به اطلاع منتشره در نشریه فدایی شماره ۲۴ در نخستین روزهای اردیبهشت ماه رفیق سعید نصاری مبارز بر سر اسفود عضو مشا ور کمیته مرکزی گروه منشعب از سازمان (پروپاگاندیست) جوخه اعدام سپرده شد و در پاییز سال ۶۳ دستگیر شده و در این مدت تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روانی قرار داشته است.

شماره ۲۵ و ۲۶ نشریه "راه کارگر" خبر شهادت دوتن از اعضای این سازمان را منتشر کرده اند. به نوشته این نشریه، رفیق پورنیا خبری است که سراسر حرفه ای این سازمان در مرداد سال ۶۳ دستگیر و پس از چند ماه ضمن حفظ اسرار سازمانی از دشمنان، در شکنجهگاه اوین به قتل رسید. علاوه بر این، این نشریه اطلاع می دهد که "رفیق اکبر نعمتی عرب" نیز پس از تحمل یک سال و نیم شکنجه در اسفند ۶۳ اعدام شده است. وی از مؤسسان کانون مستقل مصلحان تهران در سال ۵۷ بود.

در شماره ۱۷۲، بولتن خبری کردستان ایران آمده است که دوتن از پیغمبرگه های حزب دیکرات کردستان، گاک صالح امینی بعد از تحمل یک سال شکنجه در سقزو "محمد پورنیا" در سنندج اعدام شده اند.

ما سازمان مجاهدین خلق اعلام کرده است که در اردیبهشت تعدادی از مجاهدین زندانی اعدام شدند. یاد همه شهیدان خلق را گرامی می داریم و ما اتحاد عمل از جمله برای دفاع از جان زندانیان سیاسی، رزم مشترکمان را غنا و توان بیشتری بخشیم.

خود را تحقق بخشد. ردوبدل کردن اطلاعات و استفاده از تجارب، و همچنین تربیت متخصصان ویژه از جمله عرصه های است که این همکاری می تواند در راستای آنها گسترش یابد. به پیوسته ما سیاست رژیم خمینی را با کشورهای امپریالیستی شرایط مساعدی بسورای گسترش همکاریهای دو جانبه و دور واقع تسلط بیشتر سیاسی و بی تعلیقیت سرویس ما بر سازمانهای جاسوسی امپریالیستی بر سر واک خمینی و دیگر دستگا های امنیتی رژیم فراهم آورده است.

هرچه جریان رژیم مبارزه توده های مردم بیشتر می شود، رژیم بر شدت فعالیتها و سرکوبگرانه او استی خود می افزاید. اولین اسباب سرکوبگرانه و بازداشتگوهی و شکنجه و اعدام انقلابیون طی ماههای اخیر گسترش بی سابقه یافته است. یورش گسترده به سازمان ما، تشدید شکنجه زندانیان و اعدامهای دسته جمعی و جنا بیکارانه زندانیان سیاسی در ماههای اخیر تشکیلاتی است. از این اقدامات سرکوبگرانه و ارتجاعی است. رژیم با گسترش تورا ختنی و سرکوب در داخل کشور، رژیم خمینی سرکوب خشن انقلابیون در خارج از کشور را نیز تشدید کرده است. یورش عمل حزب الهی رژیم به تظاهرات پناهندگان ایرانی در کراچی، اقدامات جاسوسی و اوباشگری در آلمان و آمریکا و هندوستان و سایر کشورها، نمونه ای از تلافی عتوان گسیخته ای است که رژیم برای خاموش کردن صدای نیروهای انقلابی در خارج از کشور در پیش گرفته است.

برای گسترش مبارزه انقلابی و مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه رژیم، مبارزه با پلیسی سیاسی آن و ختنی کردن فعالیت ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی اش اهمیت جدی دارد. مبارزه با پلیسی سیاسی را باید به مبارزه ای توده ای و همگانی بدل کرد. خودکارگران و توده های مردم در گسترش این مبارزه نقش مهمی بر عهده دارند. شناسایی و افشای نام و مشخصات عوامل اطلاعاتی رژیم در کارخانجات، ادارات، محلات و در سطح جامعه ضربه موثری بر کار آنان وارد می آورد. باید تا این مزدوران را دهان به دهان به گوش همگان رساند، سرویس دیوارها نوشت و برای سازمانهای انقلابی فرستاد. اخبار محرمانه، نقشه ها و چگونگی فعالیتها و روش های گامی که این ارگانها مورد استفاده قرار می دهند را وسیع افشا ساخت و به گوش مبارزین ضروریست رسانید. هرگونه خبری - حتی کوچک و بزرگ - اهمیت که از دور این ارگانها به بیرون دین کند در اختیار انقلابیون قرار گیرد، می تواند در ختنی ساختن فعالیت دستگا های امنیتی رژیم موثر واقع شود. بویژه لازم است اخبار و اطلاعات مربوط به تنقیب و مراقبت پنهانی انقلابیون توسط مزدوران رژیم را در اولین فرصت به گوش مبارزین رسانند و آنها را پیشاپیش از خطر آگاه ساخت.

افشای و انتشار اطلاعات مربوط به همکاری ساواکی های سابق با رژیم آخوندها و همچنین گردآوری ترجمه و انتشار گزارشات درباره همکاریهای اطلاعاتی بین رژیم خمینی و سازمانهای جاسوسی امپریالیستی، که در مطبوعات جهان به چاپ می رسد، در پی آبرویی بیشتر رژیم افشای ماهیت عوام فریبانه آن می تواند نقش موثری داشته باشد. توده های بیشتری را به مبارزه علیه رژیم خمینی و پلیسی سیاسی آن جلب کند. با گسترش مبارزه توده ای علیه پلیسی سیاسی رژیم می توان فعالیت ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی آراکم را سخت و انقلابیون و مبارزین ضروریست را در برینا شبکه خبررسانی و اطلاعاتی خود مردم قرار داد.

زده به دلندارند. آنان برای فریب مردم نسبت اعلام عزا را بزرگ به سیل زدگان ترجیح می دهند.

سیل فاجعه مکرر کشور ما است. این بلا در یک سال اخیر، به جز چند منطقه معدود، تمامی استانها را گرفتار هجوم خوساخته خانه ها و کاشانه مقبره های از زحمتکشان را بر سر آن آوار کرد و بیماری، بی سربستی و بدبختی بیشتری برای گذشتگان ما از آنها که ساله اصلی فقها جنگ است، خود را دل مشغول اینگونه مصائب زندگی مردم نمی کنند. آنها با کمال وقاحت حتی گناه این فاجعه را به گردن خود سیل زدگان می اندازند که اول سریناه خود را در مسیر سیل سرهم کرده اند و ثانیا برخلاف تجار و محترم، و جوهری نمی بردند و در نتیجه به غضب الهی دچار می شوند.

تازمانی که رژیمی فدمردمی چون جمهوری اسلامی بر سر کار است، این مصیبت ها نمی خواهد داشت. به انتظار کمک از رژیم می خودخواه را که مصیبت و بلا بر مردم نازل می کند، نباید ببیند. هبوطان باید به سیل زدگان، به طریق دولت ارگانهای حکومتی، بلکه مستقیما به اشکال قضی کمک کنند. باید برای کار رژیم را در امتناع از کمک به قربانیان سیل افشا کنند و نقش رژیم را در تشدید بعد از یک چنین فاجعه ای برملا سازند.

تشکیل ارگانهای تازه سرکوب

دراواخر فروردین ماه گذشته، آخوندها الهی معان آموزشی فرما ندهی کمیته ها خبرتاسیس "دانشگاه علوم نظامی کمیته انقلاب اسلامی" را اعلام کرد. دانشگاه کمیته از اول مهر ماه اصلا آغاز نگردد. خواه در کرد. چند روز پس از اعلام این خبر، ری شهری وزیر ساواک خمینی نیز تشکیلات "بانک اطلاعات" (مرکز مابوتری نگهبان را اطلاعات امنیتی) را اعلام نمود. این اقدامات که بدنیا تاسیس "دانشگاه جاسوسی وزارت اطلاعات در مهر ماه گذشته و تشکیلات دانشگاه وابسته به سپاه صورت می گیرد، از جمله تلاشهای رژیم بمنظور گسترش تورا ختنی و تشدید سرکوب و تشکیلی شمار می رود.

سابقه تشکیلات بانک اطلاعات به دوران رژیم پهلوی برمی گردد. رژیم شاه در سال ۵۱ همزمان با تشکیلات "کمیته مشترک فداکاران" تدارک تشکیلات "بانک اطلاعات" را نیز آغاز کرد. هدف این "بانک" گردآوری اطلاعات و مشخصات امنیتی همه مسردم و سپردن آن به گام مابوتری بود تا ما موران اطلاعاتی رژیم با مراجع به آنها بتوانند سرچشمه اطلاعات مورد لزوم خود را بیست آورند. رژیم شاه برای تشکیلات بانک اطلاعات تدارکات گسترده ای دید و گام مابوتری را مدرن و پیشرفته ای را به خدمت گرفت. اما انقلاب بزرگ توده های مردم بساط آن رژیم ارتجاعی را درهم پیچید و آرزوی استفاده از "بانک اطلاعات" برداشته و ما مورین شکنجه گرش باقی ماند. بعد از انقلاب تشکیلات و امکانات این بانک در دستان سلطنت آباد به چنگ رژیم جمهوری اسلامی افتاد.

رژیم خمینی از مدتی پیش دستبند گرا و تکمیل و راه اندازی این برنامه ها شانه بشکار اکنون نیز رسماً خبر تشکیلات آنرا اعلام کرده است. راه اندازی "بانک اطلاعات" در شرایط کنونی برای رژیم اهمیت زیادی دارد. همزمان با گسترش پیگیرها، دستگیری ها و بازرسی های خیابانی که به منظور مقابل با فعالیتهای روزافزون نیروهای انقلابی صورت می گیرد، دستگا های اطلاعاتی رژیم به اطلاعات متمرکز طبقه بندی شده ای نیاز دارند تا بتوانند با کشف سرچشمه مشخصات مورد لزوم خود، تورا ختنی را گسترش داده و کنترل امنیتی خود را تشدید کنند.

رژیم خمینی برای راه اندازی "بانک اطلاعات" و سایر مراکز ارگانهای پیوسته سازی و سرکوب، وسیعاً از ساواکی ها و مابوتری های رژیم سابق سود می جوید. خدمات پشت پرده چند ساله "فردوست" مهره دست راست و موراد طبعین شاه در دستگا های امنیتی خمینی امروز بر سرپایان آورده و روشن شده است. فردوست ها در دستگا های عربی و طویل اطلاعاتی - امنیتی رژیم کم نیستند. دهها ساواکی و شکنجه گرزیم شاه در تمام میهنی است که با سازمانها خبردارند. رژیم خمینی از تجارب و "تضمین" این آدم گنان و شکنجه گران در مبارزه با انقلابیون بهره می گیرد. کمیته مشترک شیخ و شاه نسبت به کمونیستها و فدیت سرما به داری نسبت به مبارزه طبقه کارگر علیه ستم و استثمار، آخوندها و ساواکی ها را به همکاری گسترده و موثر وادار نموده است. رژیم در راه اندازی "بانک اطلاعات" علاوه بر استفاده از ساواکی ها و آدم گنان رژیم سابق، همکاری امنیتی و اطلاعاتی و جاسوسی با سازمانهای فداکار و جاسوسی امپریالیستی را نیز گسترش داده است. رژیم نمی تواند بدون اتکا به کمکهای این سازمانها، اهداف "بانک اطلاعات"

سیل فاجعه آفرید

با زایل آمدن ویرانی وسی سامانی دیدید آورد. قربانیان این بار هم میهنان ما در استانهای سیستان و بلوچستان بودند. در این میان مسردم زاهدان و روستاهای اطراف آن بیش از همه زنده گسی وهستی شان را از دست دادند. در زاهدان عزرائ عمومی اعلام شد روز ۱۲ خرداد ماه از مسوی نخست وزیر و هلال احمدی های بمنظور رسیدگی به وضع سیل زدگان "روانه این منطقه شد. دولت از مردم تقاضای کمک کرد و ما خودی فقط ۳/۵ میلیون تومان اعتبار به این امر اختصاص داد. فاجعه بزرگ است، اما بزرگی میراث خسارات جانی و مالی در درجه اول نه ناشی از شدت سیل بلکه بواسطه آسیب پذیری شدید سریناه و امکانات زندگی مردم فقرزده این در در برابر جرسوادت خشن طبیعی است. بلا سیل زمانی چنین ایستاد مصیبت باری بخود گرفته است که جنایتکاران جنگی حاکم بر کشور روزانه دهها میلیون تومان صرف جنگ نیستی آفرین خود می کنند. روشن است که خمینی و دارودسته جنایتکارش که نوجوانان و جوانان را فوج فوج به موج مرگ می سپارند، غمخیز و سیل -

آدرس
P.O. BOX
1091 WIEN
AUSTRIA

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!